

اسباب دردمری برای مملکت فراهم می آورد بنده خیلی همراه با اینکه قانون طبابت بگذرد و تصویب شود ولی اختصاص داشته باشد به تهران عمومیت آنرا بشهرهای دیگر بدلایلیکه یکی دوتای او را عرض میکنم تصویب نمیکند بجهت اینکه آقایان نامت شش ماه تصویب کرده اند که تکمیل طبابت بشود که بعد از شش ماه دیگر کسی طبابت نکند ولی همان مأمورینکه که اینرا اسباب و تمسک قرار خواهند داد طوری رفتار میکنند که مردم را از این قانون منجر میکنند عقیده بنده اینستکه عجلاناً این قانون در خود تهران مجری باشد تا انشاءالله همینکه مدارس طبی تکمیل شد و مردم يك قنری بیشتر روزنامه خوان و معارف دان شدند و فهمیدند که نظر مجلس شورای ملی از این قانون و تعمیم او چیست آنوقت بالطبع نشر میکنند خود این قانون از هر کز بولایات زالا با این عدم علم و عدم اطلاع مردم اسباب از جبار و تنفر خواهند شد بنده مثل میآورم قانون نمک را برای شانمک را مردم از یکمن چهارعباسی خریدن منجر نشده از آن منجر شدند که در خسه یکمن چهار هزار بر مردم فروختند مثلا وزرا گفتند بول قیانهاری پنجشاهی بگیرند در اغلب جاهایکومتان دوتومان گرفته اند اگر کسی بکتابینه مالیه نوشتهجات آنجا رجوع کند در همین حوالی شیران نمک را یکمن دو قران فروختند مردم این مردم را منجر کرد یکمن چهارعباسی منجر نکرد مردم را عدم موقوف مأمورین دولت که حدود خودشان را نمیدانستند و حسن مشروطیت را بمردم تفهیم اند و از حدود خودشان تجاوز کردند و آنت بدست مردم در ولایات دادند برای انقلاب بنده خودم از آن اشخاصی هستم که منکر طبیه هائی امی ولدنی هستم میگویم انباء باید تحصیل کرده باشند صاحب دینم باشند صاحب علم باشند و از مدرسه بیرون آمده باشند اما افسوس چه کنم که اولاً عده اطباء خیلی کم است و مدرسه خیلی کم داریم و در ولایات اینرا بهانه میکنند و اسباب تنفر عمومی خواهند شد و مقصود حضرات عالی معجوب خواهند ماند .

دکتر حیدر میرزا - بنده عرض میکنم که این فرمایشات را مردمان دانا ملتفت میشوند البته صحیح است ولی از برای ملت جاهل وقتی يك قانونی برای آنها وضع و منتشر میشود .

رئیس - مطالبی را که اظهار میکنید درست دراز غور کنید و بسنجید و بگوئید .
دکتر حیدر میرزا - بنده آن قانون که مجری نشد مقدمه میشود از برای کار های آتیه که اطاعت با و امر قانون نشود والا قانونی که گذشت و بعضی مقدمات و شرایطش را هم نمیکند چه فایده دارد خود وزارت معارف ابدامین کرده بود که هیچکس در تهران حق طبابت ندارد مگر با اجازه آنوقتیکه آنمجلس منعقد شد و چند نفر طبیب عالم که نشستند و گفتند که سال اول در تهران اجراء میشود يك دو سال که گذشت بعد شرایطش که باشد و اوراد اطراف ولایات بتدریج مجری میدانیم حالا ما بر خلاف وزارت معارف يك رای میخواهیم بدهیم که عمومیت بدهیم آیا میخواهیم بدانیم که خود وزارت معارف تعهد اجرای اینرا در ولایات میکند یا اینکه این قانون هم بواسطه آنکه در اجراء بیاید يك سوء اثری در اذهان عوام پیدا میکند که آن سوء اثر يك ضرری تولید میکند خود این طبیه هائی که سابق بر این هر چه بودند سالهای دراز بوده اند و رفته اند همین سبب میشود که اولاً جمعی طبیب در بعضی مواقع مورد اعتراض و بلکه ستم و نظم بلکه کشتار نسبت بقوت صاحبان مریض میشود چنانچه در تاریخ ایران اتفاق افتاد که يك پزششان بر حسب اتفاق سکه کرد و آمدند اتفاق کردند طبیب را کشتند خود این يك وسیله مقدمه میشود از برای مردم عوام و زحمت اطباء چنانچه خیلی دیده ایم از این قبیل و گذشته از این يك راهی بدست مأمورین و عمل میدهند که اخذ وجهی از آنها بکنند اعتقاد من اینست که این يك تکرار حتی را مافزاید خوبست به بیمه شرایط اجرائش را بعد از شش ماه دیگر در قزوین و همدان و کرمانشاهان بجای دیگر میتوانند قبول کنند یا اینکه باید تمام اطباء بیایند اینجا بنام شرایط آراسته شوند و بر گردند آخر نباید نماینده وزارت معارف حضور داشته باشد که اینرا قبول کند والا يك قانونی وضع بشود بلا اجراء بماند چه فایده دارد .

دکتر اسماعیل خان - همینقدر محض اطلاع عرض میکنم که نماینده وزارت معارف حاضر بودند و این ترتیب را قبول کردند .
رئیس - گویا مذاکرات کافی است (بعضی گفتند کافی است بعضی گفتند کافی نیست) رای میگیریم آقایانیکه مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند

از وضع قوانین بداند فرض بفرمائید بهترین قوانین که در نزد ما بنده محترم آقای ادیب التجار جاومه میکند قانون منع احتکار است و من هم مصدق همین اشکال آنجامم وارد است بجهت اینکه قوانینکه برای اجراء لازم است در مرکز آماده تر است و شاید آن قانون منع احتکار با مسکرات در مرکز البته بهتر مجری میشود ولی نمیتوانیم بگوئیم فقط مجلس قانون را برای تهران وضع میکند باید قانون را بطور عمومیت وضع کرد ولی در مقام اجراء البته ملاحظه محل و ملاحظه مقام را بفرمائید ولی این تخصیص را بنده از تکالیف مقنن خارج میدانم و وظیفه نمایندگان نمیدانم .

از شش ماه که گذشت دیگر کسی نمی تواند يك مطب تازه باز کند مگر اینکه اجازه نامه داشته باشد گمان می کنم که این ترتیب خیلی سهل است برای اشخاصی که در ولایات هستند نمیتوانیم که بیاید امتحان بسند نمی گوئیم باید يك مدتی طبابت کرده باشد هیچ شرطی برایش قرار نمی دهیم ممکن است يك آدمی هیچ سواد فارسی هم نداشته باشد و هیچ تحصیل نکرده باشد و آن آدم اجازه نامه بگیرد دیگر از این سهل تر چه می شود برای اینکه نمی توانیم عجلاناً در ولایات سختی بکنیم پس این ترتیب را با سهل و جوه قرار داده ایم که تا امروز هر کس طبابت کرده است مشغول باشد و از این بعد تازه مطب طبابت باز نکند مگر اجازه داشته باشد .

حاج شیخ اسدالله - بنده در اساس طب که باید قانون او که وضع می شود عمومیت داشته باشد مخالف نیستم ولی باین ماده مخالف هستم چطور مخالف هستم برای اینکه در این ماده می نویسد که هیچ طبیبی در تمام مملکت هیچ شعبه از شعب طبابت را نمی تواند دایر بکند مگر باین شرایط بدهم محض خاطر تسهیل امر طبابت در خارج از مرکز مینویسد که در ماده دیگر که تاشش ماه می تواند آن اشخاصی که مشغول طبابت بوده اند اجازه نامه از وزارت معارف بگیرند و مشغول طبابت باشند اینجا بنده يك نظری دارم بحال آن اشخاصی که در اربعه بلاد و قراء هستند که بهیچ وجه من الوجوه دستشان نرسد بطهران تصور نکنید بعضی شهر ها که از برای آنها همه قسم ممکن است اجازه نامه از مرکز تحصیل بکنند ولی وقتیکه ما نوشتیم بدون اجازه نامه وزارت معارف نمیتواند طبابت بکند باید تأمل بکنیم ببینیم که این اشخاصی که در دهات و اطراف هستند و همچنین اشخاصیکه مشغول طبابت و کمالی هستند و مردم هم محتاج باین اشخاص هستند و همین چشم دردیکه در این فصل برای اطفال ضعیفا پیدا میشود و چند گرفتار هستند در حالیکه آن شخصی که مشغول باین کار هست چه فزایدی از برای همان اطفال و همان اشخاص هست و خیلی هم نتیجه میرند و بسا هست يك مشقت مبتلی میشوند بدست همان اشخاصیکه مشغول هستند رفع میکنند .

دکتر اسماعیل خان - اشتباه میکنید بنده عرض رامیکنم حالا اگر اشتباه است باشد بنده نظرم باین مطلب است که باید نوعی باشد که اسباب زحمت مردمان فقیر نباشد اسباب زحمت برای دهاتی نباشد اسباب زحمت برای مردمانیکه در اقصی بلاد این مملکت هستند نباشد بالحس میدانم کسانیکه میتوانند تحصیل اجازه بکنند از وزارت معارف فقط در بعضی از شهرها هستند که آنها از برایشان ممکن ولی از برای بعضی قصبیات و دهات دور دست ممکن نیست که طبیب بتواند بغوری تحصیل اجازه از وزارت معارف بکند و این يك مطلبی است که خیلی اسباب زحمت خواهد شد و گمان نمیکنم به تسهیل این قانون مجری بشود و اگر مجری بشود کمال سختی بر مردم خواهد گذشت بنده عرض میکنم باید طوری این قانون را نوشت که عمومیت داشته باشد ولی در آخر ماده بنویسد که این قانون باین ترتیب اجراء میشود و از مرکز شروع میشود و به همین طور بتدریج مشغول اجراء این

قانون بشوند بجهت اینکه بسا هست که تا مدتی ما نتوانیم موفق با اجراء این قانون بشویم که در آن اقصی بلاد این قانون جاری شود از این جهت عرض میکنم که بنده خودم پیشنهاد نمیکنم زیرا میدانم که رد میکنند و خود آقای مخبر اگر عراض بنده را قبول میکنند مثل اینکه بلوچستان از توابع ایران است و شما میخواهید این قانون را در آنجا جاری بکنید که هیچ طبیی نتواند آنجا طبابت بکند مگر آنکه اجازه طبابت داشته باشد چطور آن عیب میتواند اجازه فوری تحصیل کند و بعد از آنکه نتوانست تحصیل اجازه بکند آن مردمانیکه محتاج با و هستند چه حالی خواهند داشت اینستکه بنده عرض میکنم اگر عراض بنده را قبول میفرمایند جمله باین ماده ضمیمه بکنند باین ترتیب که عرض کردم که این قانون تعمیم داده میشود بنام نقاط و از مرکز شروع میشود اگر چه ده سال طول بکشد یا بیست سال طول بکشد یا در بلاد دیگر جاری شود اهمیتی ندارد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است (گفتند کافی نیست) یکمرتبه دیگر قرائت میشود و رای میگیریم (مجدداً ماده مزبور قرائت شد) آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (با اکثریت ۳۸ رای تصویب شد) ماده دو قرائت میشود (عبارت دین قرائت شد ماده دو - در آتیه اسنادیکه وزارت معارف آنرا رسماً شناخته و بصاحبان آن اجازه نامه خواهد داد از این قرار است اولاً تصدیق نامه هائیکه در مملکت ایران بتوسط مدارس طب دولتی داده میشود ثانیاً تصدیق نامه های طبی دولتی مالک خارجیه کده آخر که مالک خارجیه است مخالفه برای اینکه این لفظ خیلی عام است ما از این لفظ نمیتوانیم که دول متعده که دارای مشروطیت هستند اطباءیکه از آنجا میآیند بپذیریم ولی فرض میکنیم وقتیکه دول خارجه نوشتیم دچار میشود باینکه دولی که از ایران هم بست ترند یعنی هیچ درس طب در آنجا داده نمیشود آنوقت ما مجبوریم که مطابق این ماده قبول کنیم ولو اینکه خیلی نادر خواهد بود و گمان میکنم نشود يك چنین لفظ عامی را که همه قسم ممکن است او را تعمیم داد بآنکه دولیکه مدرسه طبی دارند و دولیکه مدرسه طبی ندارند یکی محسوب میشوند .

دکتر اسماعیل خان - اینجا نوشته شده است تصدیق نامه و دیپلم دولتی داشته باشد حالا کدام تصدیق نامه دولتی است که صاحب آن کمتر از اشخاصی باشد که هیچ تحصیل طبابت نکرده باشند که ما بآنها اجازه میدهیم طبابت بکنند .

دکتر حاج رضا خان - اینکه آقای مخبر فرمودند بنده عرض نمیکنم مدرسه رسمی مدارس طبی نیست ولی اگر نباشد که تصور کنیم هر مدرسه طبی که در هر جا هست قبول میشود و می شود تصدیق نامه داد ولی هست جا هائیکه مدارس طبی دارد و طب قدیم ایرانی را در آنجا درس می دهند و همان حوزه درس ممکن است که تصدیق نامه بدهند و مامعجور بشویم که قبول بکنیم و بیایند قبول شود و حال آنکه بدل اول این ماده باید قبول نشود
دکتر علیخان - در اول ماده که نوشته شده است اجازه نامه طبابت اضافه که در اول شده است در این جاهم باید بشود که آن دندان سازی است .

دکتر اسماعیل خان - لفظ طبابت را میتوان بکلی حذف کرد فقط اجازه نامه باشد .
رئیس - دومرتبه قرائت میشود با حذف کلمه طبابت بعد از اجازه نامه .
(مجدداً قرائت شد) - رای میگیریم آقایانی که باین ماده دو موافقتند قیام نمایند با اکثریت (۳۶) رای تصویب شد - ماده سه -

گیرنده اجازه نامه مبلغ پنج تومان بصندوق وزارت معارف باید کار سازی نماید .
انتظام الحکماء - بنده عرض میکنم این پنج تومان چه بولی است که باید بدهند آن شخصی که دیپلم میگیرد یا تصدیق نامه اگر استعداد دارد و لایق هست که با و میدهند اجازه نامه و اگر لایق نیست این پنج تومان را از این بابت میدهد بنده نمیدانم این چه بولی است آیا جریبه این است که تحصیل کرده اند باید پنج تومان بدهد بوزارت معارف .

دکتر اسماعیل خان - آقای انتظام الحکماء گویا مسبوق نیستند که در همه جا وقتیکه شخصی تحصیل میکنند و میخواهد دیپلم و اجازه نامه بگیرد يك حقی از او میگیرند دلیل اینکه مجاناً با اجازه نامه بدهند چه چیز است شخصی میخواهد مشغول يك کسب و کاری بشود و يك مداخلی ببرد بجهت يك جماعتی که اجراء دولت هستند زحمتی بکشند اجازه نامه با و بدهند و چیزی در اداء او نگیرند و انگهی پنج تومان يك چیز زیادی نیست بعضی از اعضای کمیسیون عقیده شان این بود که خیلی زیاده بر این باید گرفته شود .

دکتر حیدر میرزا - وقتیکه این ماده نوشته شد برای تهران بود حالا که برای ایران است از برای اینکه اصلاح کنیم بنده تصور میکنم که اصلاح نمیشود زیرا اطباءیکه در تهران هستند تاشش ماه باید اجازه نامه داشته باشند در اطراف هم که مافتش و مأمور بخصوصی نداریم در ولایات جزاز برای اینکه يك اداره طبی فراهم شود و وزارت معارف تهیه کند و طبیب های آنجا را بموقع امتحان بیاورند که واقماً عملکی و امتحانکی داشته یا نداشته يك صعوبت بزرگی دست خواهد داد يك طبیی که عرض چهار سال طبابت میکند چهارده سال است که طبابت کرده اینرا باید ملاحظه کرد .

دکتر اسماعیل خان - در باب این پنج تومان بنده خیلی تعجب می کنم که کمیسیون چطور رای داده است پنج تومان در صورتیکه خود آقایان واعضای کمیسیون هستند که يك اداره و يك ترتیب دفتر مخصوصی باید در وزارت معارف تهیه شود با اشخاصیکه دیپلم میدهند رسیدگی شود و ثبت شود و بموجب پیشنهادیکه حالا خواهم کرد تقاضا میکنم که در دو تومان نوشته شود

رئیس - پس شما موافق نبودید
دکتر اسماعیل خان - موافقم
رئیس - پس چرا تقاضا میکنید که ده تومان بشود - بعد از این اگر چنین رفتار بشود احتظار خواهم کرد - آقای و کیل الرعایا - بلی مخالفت بنده با **حاج وکیل الرعایا** - بلی مخالفت بنده با ماده اینستکه ۵ تومان نوشته اند و برای این دلایلی

دارم از زمان مرحوم میرزا تقی خان امیر در آنجا یک مخارج زیادی کرده‌ام که مدرسه دارالفنون باشد و از آن مدرسه فقط این اطباء حافظ را بیرون آوردیم چه شنیده ایم وجه بعضی های آنها را دیده‌ایم که برای طبابت شاید مضایقه دارند که تا یک چیزی نگیرند از او تصدیق ندهند در این صورت گمان میکنم که یک همچو عایبی که بدست آنها از این مردم برسد سزاوار است که خود آنها هم یک قسمت خیلی کمی را بدولت بدهند که دولت برای کار آنها مخارج کند چنانچه برای مقدمات آنها مخارج کرده حالا هم بکنند که یک کمی بدولت خودشان کرده باشند و بنده تصور میکنم که پنج تومان یک چیز غیر قابل است و برای کسیکه می خواهد اجازه بگیرد و در مملکت طبابت بکند اول چیزی که باید داده باشند لازم است پنجاه تومانی داده باشند و بدهم لا اقل یک صدینچی سابقه از عایداتش بدهد

آقای سید حسین اردبیلی - در اینجا کمیسیون نظراتی را که کرده است بنده صحیح میدانم خیلی ترجیح میدهم که اینطور نوشته است معمول شود بعضی آقایان که تصویب میکنند این مأخذ را زیاد بر این بکنند گویا ملاحظه نمیفرمائید که در جاهای دور دست اجازه نامه‌هایی که برای آن اشخاص فرستاده باشد آنها شاید اطباشان اینقدر استحضات نداشته باشند و کمتر از ایشان گرفته شود و بر داختن این وجه بوزارت چندان اشکال ندارد بواسطه اینکه وزارت معارف برای آنکار یک مخارجی دارد و در حقیقت در مقابل اینست که یک نوع امتیاز فضلی و اختیار مخصوص بآنها داده میشود که بسایر اطبا بیکه تا کنون فقط عادت یا اربت برده است و تحصیل صحیحی نداشته است میباشد و در واقع آنها نمی توانند دیگر منصفی طبابت بشوند در مقابل آنهائی که بان اشخاص رجوع میکردند حالا باین شخص که اجازه دارد رجوع میکنند و هیچ نباید مضایقه کرد که در مقابل این فوایدی که یک نوع اختصاص پیدا میکند یک درجه مخفصری که بکدهمه میدهد اینرا بوزارت معارف داده باشند معلومست همانطور که آقای مخبر فرمودند یک چیز تازه نیست که اینجا معمول شده باشد همه جا معمول بوده است و بنده در تصویب او هیچ تردیدی نمی بینم.

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد - اصلاحی آقای حاج سید ابراهیم پیشنهاد کرده اند فرائض میشود در مقابل توجه بودنش رأی میکنیم. **بیمارت ذیل فرائض شد:**
بنده پیشنهاد میکنم که برای اجازه نامه در مرکز ده تومان و در ولایات پنج تومان داده شود ابراهیم الموسوی
حاج سید ابراهیم - عرض میکنم که چون برای ترتیب دفتر و زحمات وزارت معارف البته بولی باید گرفت از همان اشخاصی که تحصیل اجازه نامه میکنند و رقابت تفاوتی بین اطبا بیکه که در هر کجاست بین اطبا بیکه که در ولایات هستند هست بجهت اینکه در ولایات می بینیم که دخشان چندان چیزی نیست که تحصیل کنیم که بیشتر بدهند ولی در طهران

هر طبیبی که هست افش در سال پانصد تومان سبصد تومان از آن طبابت تحصیل میکنند پس بهتر اینست که این مخارج را که از تحصیل اجازه نامه میگیریم و چون دائمی نیست و یک دفعه است ده تومان از آنها گرفته شود که تدارک بکنند آنکس را که اطباء ولایات میدهند و بعضی ولایات پنج تومان بدهند چون عایدیشان کمتر است.

رئیس - عقیده کمیسیون چیست.
ذکاءالملک - یکسان باشد بهتر است.
رئیس - رأی میکنیم باین اصلاح آقایانی که قابل توجه می دانند قیام نمایند رد شد - پس رأی میکنیم باصل ماده که پنج تومان نوشته شده است آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخت و آنهائی که مخالفند ورقه آبی خواهند انداخت اوراق رأی اخذ شده و آقای حاج میرزا رضا خان بطریق ذیل شماره نمود.
ورقه سفید علامت قبول - ۴۳ ورقه آبی علامت رد

تصویب کنندگان - آدینه محمد خان - وحید الملک - رکن الممالک - دکتر امیر خان - لسان الحکماء حاج شیخعلی - آقا سید حسین کزازی آقا میرزا داودخان - آقا میرزا احمد - سعیدالاطباء ناصر الاسلام - آقا سید حسین اردبیلی - دهخدا - آقا سید محمد رضا - ارباب کیخسرو - افتخار الواعظین مشیر حضور - آقا شیخ غلامحسین - مبرز الملک - معین الرعایا - ضیاء الممالک - تربیت - نجم آبادی - فرزانه - معین الدوله - حاج سید نصرالله - محمد هاشم میرزا - اعتصام الملک - بهجت - علی زاده - صدر العلماء حاج شیخ رئیس - آقا سید محمد رضا - آقا سید حسن مدرس - آقا شیخعلی شیرازی - دکتر لقمان - معاضد السلطنه - دکتر حیدر میرزا - ذکاءالملک - آقا شیخ ابراهیم - سلیمان میرزا - آقا میرزا قاسمخان رد کنندگان - حاج وکیل الرعایا - انتظام - الحکماء - حاج محمد کریمخان - لواء الدوله - حاج سید ابراهیم - حاج عز الممالک - معین السلطنه دکتر رضا خان.
رئیس - با کثرت ۴۳ رأی تصویب شد.
ماده ۴ بمبارت ذیل فرائض شد.

ماده ۴ - اشخاصی که هیچک از تصدیقنامه های مذکور در ماده ۳ اینقانون را ندارند و از تاریخ نشر این قانون از پنج سال کمتر در طهران مشغول طبابت بوده اجازه نامه طبابت بآنها داده نمی شود و از دخالت بشغل مزبور ممنوع خواهند بود.

حاج شیخ اسدالله - چون این قانون راجع بشام مملکت کمتر در تهران است نوشته شود « از پنجسال کمتر در تهران » معنی ندارد و در راپورت سابق که اینطور نوشته شد برای این بود که این قانون مختص بطهران بوده از اینجهت نوشته نشده که اشخاصی که از پنجسال کمتر در طهران مشغول طبابت بوده اند ولی حالا که بسایر جاهلهم عمومیت داده شده است بقرینه بنده باید این لفظ تهران را هم باید از این ماده برداشت یا اینکه نوشت در طهران ولایات که اگر در اصفهان هم یک نفر

طیب کمتر از پنجسال بابت کرده باشد حق طبابت نداشته باشد.
ذکاءالملک - از برای ولایات ملاحظه فرمودید که با ماده مخصوصی قرار داده ایم و یک ترتیب خاصی برای آنها اتخاذ کرده ایم که اسباب اشکال نشده و آنوقت هم بعضی از آقایان که یکی هم خود آقای حاج شیخ اسدالله بودند و اظهار مخالفت کردند یا اینکه اینقانون بولایات تعمیم داده شود و یا تعمیم دادیم با یک ترتیبی که خیلی سهل باشد حالا میدانم چطور شده است که میفرمایند در ولایات هم باید محدود بکنیم که اشخاصی که کمتر از پنجسال طبابت کرده باشند ممنوع باشند مقصود تسهیل کار است و این ترتیب را نمیتواند در ولایات مجری داشت.

حاج وکیل الرعایا - بنده تصور میکنم و شاید هم اشتباه کرده باشم کسیکه مرض باشد و بخواهد معالجه بشود باید بطیب رجوع بکند اگر طالب حیات خودش باشد و بنده نمیدانم آنکسی که ده سال است طبابت کرده است ما تا حالا که رأی نداده و حکم نکرده بودیم بسا ربطی نداشت و شرکتی با آنها نداشتیم یک کاری بدی بوده که می کردند ولی حالا که می خواهیم یک رأی در این موضوع بدهیم چطور می توانیم رأی بدهیم که اشخاصی که من غیر حق تا امروز کاری میکردند و یک امر نامشروعی را مرتکب میشدند امروز هم آنکار بدراکه میکردند بکنند و خودمانرا شریک فعلی آنها قرار بدهیم بنده که بکنی با این ترتیب مخالفم و اینرا بپهچوجه منصفی نمی دانم.

ذکاءالملک - در شور اول هم این مذاکرات شد و واقعاً خیلی خوب بود اگر ما می توانستیم کاری بکنیم که در تمام این مملکت یا اقل در طهران اطباء تحصیل صحیحی بکنند ولیکن مناسبانه امروز از عهده اینکار بر نمی آیم و اگر بخواهیم اینقدر سختی بکنیم مردم خیلی دچار اشکالات میشوند وزارت معارف هم در ابتدا پیشنهاد کرده بود کسانی که کمتر از دو سال طبابت کرده اند حق طبابت نداشته باشند کمیسیون یک قدری بر سختی افزود و گفت پنجسال باید نوشته شود نظریاتی که کمتر از پنجسال را کافی ندانستیم که شخص اولاً بواسطه تجربه یک چیزی یاد بگیرد آن کسی که پنجسال مشغول طبابت بوده است لابد یک تجربه حاصل کرده است ولو اینکه چندان درسی هم نگوانده باشد حالا اگر بخواهیم یک ترتیبی غیر از این اتخاذ بکنیم باز تولید اشکالاتی برای خودمان خواهیم کرد در صورتیکه باین ترتیب حاله بیک اندازه جلوگیری از ضرر کرده ایم بیک اندازه مراقبت خودمان را بعمل آورده ایم و اینکه میفرمایند ما شرکت در جنایت می خواهیم بکنیم اینطور نیست در واقع ما باین طریق تخفیفی در ارتکاب جنایت میدهم.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند (گفتند کافی است)
رأی میکنیم ماده ۴ - آقایانیکه موافق هستند قیام نمایند اغلب قیام نمودند با کثرت ۳۲ رأی از ۶۴ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد.
ماده ۵ خوانده میشود (بمبارت ذیل فرائض شد)

ماده ۵ - اشخاصی که دارای هیچک از تصدیق نامه های مذکور در ماده دوم اینقانون نیستند و پیش از پنجسال و کمتر از ده سال در طهران طبابت کرده اند اجازه نامه طبابت می توانند بگیرند مشروط بر اینکه از تاریخ انتشار این قانون تا انقضاء مدت سه سال حاضر شوند که در حضور کمیسیون مخصوص که بر طبق ماده ۸ این قانون) تا آن ماده - از این عبارت معلوم نمیشود که کسانی که اجازه نامه و تصدیقنامه ذکر شده است نداشته باشند وقتی که تحصیل بکنند در مطبشان بسته می شود یا خیر باینجهت بنده پیشنهاد کرده ام که اولاً مدت را که چهار ماه قرار داده اند زیاد است بجهت اینکه اولاً می دانید که اشخاصی که پیش از پنجسال در طهران طبابت کرده اند اولاً اینطور نبوده است که یک تصدیق مرتبی بکنند و ثانیاً اگر هم تحصیل کرده باشند اجازه نامه در دست داشته باشند و در این مدت چهارماه که نوشته شده باشکال مختلفه می توانند تحصیل اجازه بکنند و ثانیاً تصریح کرده ام که در مطبشان بسته خواهد شد

حاج شیخ الرئیس - بنده با این ماده که از کمیسیون بمجلس آمده است کمال موافقت را دارم و خاطر نشان میکنم که اگر چه کسانی که اجازه نامه دولتی یعنی از مدرسه علمیه مرکزی خودمان یا از خارجه نداشته باشند نباید بآنها اجازه طبابت داده شود ولی آقایان البته این نکته را می دانند که اصل علم طب ماده بمعنی تجربه است و عادت و بنده چون از علم طب بی اطلاع نیستم می توانم عرض کنم که در مقام عمل آنقدر از اهمیت را که میدهند آن اهمیت را در معام علم نمی دهند یعنی یک طبیبی که شاید علوم جدید یا قدیمه را درست نمی تواند به میزان قانونی او تعلیمات رسمی را درست از عهده بر نیاید ممکن است بواسطه نسخه نویسی و ممارست قوه بینا بکنند که بتواند از عهده طبابت بر آید و همان فوایدی را که از یک طبیب صاحب دیبلم و تصدیق نامه حاصل میشود از او بشود استفاده کرد اینست که بنده گمان میکنم که در این مسئله اطباء منتقدند حالا هم شاید آقایان باینده هم عقیده باشند که با آن ترقیاتی که از برای علم طب حاصل شده است گمان نمیکنم که عده منوفیات ما از زمان بربریت و جاهلیت کمتر شده است

دکتر حاج رضا خان - بنده گمان می کنم که در اینموضوع بوقت آقایان یک قدری ملاحظه بکنند که اینجا جای ترحم نیست مقام جان است باین عنوانات نمیشود اینکار را بدست اشخاص بی علم داد که طب تجربه است علم نیست البته باید بدانند که تجربه علم امروز بدست اشخاص نیست بدست مدرسه است و هیئت دولت و امروز هم مانرسیده ایم بچاینکه بتوانیم بگوئیم طب را بنایند بدست اشخاص داد که آنها یکی یکی تجربه بکنند یعنی آنقدر آدم بکشند تا اینکه بعد از ده سال آدم کشتن شاید بتوانند یکی را معالجه بکنند و بعد بنده مخالفم با اینکه بعد از چهارماه اجازه از یکی اطباء معروف ایران بگیرند بنده نمی فهمم که این معروف یعنی چه و مقصود کمیسیون ازین کلمه چه چیز بوده است برای اینکه اگر خود آن که در این ماده نوشته شده است که (اشخاصی که دارای هیچک از تصدیق نامه های مذکور در ماده

۲ اینقانون نیستند و پیش از پنجسال و کمتر از ده سال در طهران طبابت کرده اند اجازه نامه طبابت می توانند بگیرند مشروط بر اینکه از تاریخ انتشار این قانون تا انقضاء مدت سه سال حاضر شوند که در حضور کمیسیون مخصوص که بر طبق ماده ۸ این قانون) تا آن ماده - از این عبارت معلوم نمیشود که کسانی که اجازه نامه و تصدیقنامه ذکر شده است نداشته باشند وقتی که تحصیل بکنند در مطبشان بسته می شود یا خیر باینجهت بنده پیشنهاد کرده ام که اولاً مدت را که چهار ماه قرار داده اند زیاد است بجهت اینکه اولاً می دانید که اشخاصی که پیش از پنجسال در طهران طبابت کرده اند اولاً اینطور نبوده است که یک تصدیق مرتبی بکنند و ثانیاً اگر هم تحصیل کرده باشند اجازه نامه در دست داشته باشند و در این مدت چهارماه که نوشته شده باشکال مختلفه می توانند تحصیل اجازه بکنند و ثانیاً تصریح کرده ام که در مطبشان بسته خواهد شد

حاج شیخ الرئیس - دیگر مخالفی نیست - گویا مذاکرات هم کافی باشد (گفتند کافی است) یک اصلاحی آقای سیدالاطباء پیشنهاد کرده اند فرائض میشود و رأی میکنیم. **بیمارت ذیل فرائض شد:**
میکند که بجای ماده ۵ اینطور نوشته شود:
ماده ۵ - اشخاصی که پیش از پنجسال و کمتر از ده سال در طهران طبابت کرده اند چنانچه در مدت بعد از تاریخ انتشار اینقانون هیچک از تصدیقنامه های مذکور در ماده ۲ اینقانون را ارائه ندادند از شغل طبابت ممنوع خواهند بود اما اگر در مدت سه سال حاضر شدند که در کمیسیون مخصوصی که بر طبق ماده ۸ اینقانون که در وزارت معارف منعقد میشود امتحان بدهند و از امتحان خوب بیرون آمدند میتوانند مجدداً با اجازه طبابتی که از وزارت معارف بآنها داده خواهد شد بشغل سابق خود اشتغال ورزند - ضمیمه اسنادیکه برای اجازه طبابت معتبر خواهد بود از اینقرار است - اولاً تصدیق تحصیل و تلفذ در مطب ثانیاً تصدیقنامه اطباء مرضخانه دولتی و امریکائی توضیح - تصدیقنامه های مذکور فقط تا دو ماه بعد از نشر اینقانون اعتبار خواهد داشت الی آخر عبارت راپورت کمیسیون.

رئیس - عقیده کمیسیون چه چیز است.
ذکاءالملک - این پیشنهادیکه شده است بمقصد کمیسیون موافق است فقط در مدت مخالفت دارد تصور میکنم که دو ماه کم باشد و اگر فرجه را اینقدر قرار بدهیم شاید اشخاصی باشند که اطلاع پیدا نکنند و نتوانند اجازه نامه تحصیل کنند.
سعیدالاطباء - اینجا دو مطلب است که بنده مجبورم توضیح بدهم یکی اینکه از ماده پیشنهادی کمیسیون معلوم نمیشود که در مدت که آنها اجازه یا تصدیقنامه ندارند در مطب آنها بسته میشود یا خیر اینست که بنده تصریح کرده ام که در مطب آنها بسته میشود یا اینکه امتحان بدهند و تصدیق بگیرند دیگر اینکه مدت چهارماه را بنده برای طهران زیاد میدانم برای اینکه اگر دارای اجازه نامه باشند تصور میکنم که در مدت دو ماه میتوانند بیایند اجازه نامه خودشانرا ارائه بدهند با وجود اینهم دو ماه یا چهارماه چندان تفاوتی ندارد ولی مقصود بنده از این پیشنهاد مطلب اولی است.

دکتر علیخان - این پیشنهاد آقای سعیدالاطباء برای این است که اشخاصی که تصدیقنامه ندارند آیا از ابتدای نشر اینقانون تا وقتیکه آنها را امتحان بکنند و تصدیقنامه بدهند حق طبابت ندارند و این

در مطب نشسته باشند و لو اینکه تحصیل کرده باشند بتوانند امتحان بدهند از این جهت بنده متعجبم این هستم که یک نفری اگر هم هزار سال عمر داشته باشد و تمام آندت را آدم کشته باشد حالا ما اجازه بدهیم که او طبیب باشد هیچ بگوئیم که میتواند یک عده دیگری از شاگردهای خودش را بگوید که شما طبییبید و بروید طبابت بکنید اینست که این طبیب معروف را تصریح بکنند که مقصود کمیسیون چه چیز بوده است و اگر مقصودشان اینست که اطباء دیبلمه باشند توضیح بفرمایند که معلوم باشد والا باسم معروف خیلی اطباء هستند که خیلی معروف هستند و در واقع طبیب نیستند.
رئیس - دیگر مخالفی نیست - گویا مذاکرات هم کافی باشد (گفتند کافی است) یک اصلاحی آقای سیدالاطباء پیشنهاد کرده اند فرائض میشود و رأی میکنیم. **بیمارت ذیل فرائض شد:**
میکند که بجای ماده ۵ اینطور نوشته شود:
ماده ۵ - اشخاصی که پیش از پنجسال و کمتر از ده سال در طهران طبابت کرده اند چنانچه در مدت بعد از تاریخ انتشار اینقانون هیچک از تصدیقنامه های مذکور در ماده ۲ اینقانون را ارائه ندادند از شغل طبابت ممنوع خواهند بود اما اگر در مدت سه سال حاضر شدند که در کمیسیون مخصوصی که بر طبق ماده ۸ اینقانون که در وزارت معارف منعقد میشود امتحان بدهند و از امتحان خوب بیرون آمدند میتوانند مجدداً با اجازه طبابتی که از وزارت معارف بآنها داده خواهد شد بشغل سابق خود اشتغال ورزند - ضمیمه اسنادیکه برای اجازه طبابت معتبر خواهد بود از اینقرار است - اولاً تصدیق تحصیل و تلفذ در مطب ثانیاً تصدیقنامه اطباء مرضخانه دولتی و امریکائی توضیح - تصدیقنامه های مذکور فقط تا دو ماه بعد از نشر اینقانون اعتبار خواهد داشت الی آخر عبارت راپورت کمیسیون.

مطلب اگر بخوبی این ماده را ملاحظه فرمائید از این ماده مفهوم میشود که مجاز نیستند برای اینکه مینویسد «اشخاصیکه دارای هیچکاز تصدیقنامه های مذکور در ماده دوم این قانون نیستند و بیش از پنج سال و کمتر از ده سال در تهران طبابت کرده اند ۱- از هانم طبابت میتوانند بگردند مشروط بر اینکه از تاریخ نشر این قانون تا انقضای مدت سه سال حاضر شوند که در حضور کمیسیون مخصوص که بر طبق ماده هشتم این قانون در وزارت معارف منعقد میشود امتحان بدهند» ببارت آخری مشروط کرده است این ماده طبابت این قسم از اشخاص را بر این اجاره نامه تحصیل بکنند و تا آن روزیکه تصدیقنامه در دستشان نیست موافق این مدلول این ماده حق طبابت ندارند و ممنوع خواهند بود از این جهت اینرا بنده لازم میدانم برای اینکه خود این ماده مقصود را بخوبی بفهمانم و اینهم که میفرمایند چهار ماه زیاد است اینطور نیست برای اینکه یک مدتی را باید فرار داد که این قسم اشخاص اسنادی را که میخواهند فراهم بکنند حاضر بکنند و ارائه بدهند و در مدت دو ماه ممکن است که بعضیها نتوانند .

رئیس - رای می گیریم باین اصلاح آقای سعیدالاطباء آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) قابل توجه شد اصلاحی هم آقای آقا شیخ ابراهیم پیشنهاد کرده اند (بباعت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که فتره (اولا) ماده پنجم چنین اصلاح شود: اولاً تحصیل و تلمذ در نزد اطباء معروفین تهران پنج سال بشرط اینکه تصدیقنامه از آنها درست داشته باشند.

رئیس - کمیسیون در این باب چه میگوید
ذکاءالملک - چون اصلاً این حقیقه باین اشخاص داده میشود تا یک اندازه نظر به مصلحت وقت است که این کار را کرده ایم و الا همانطوری که بعضی از آقایان اظهار کردند و مخالفت فرمودند حق نبود پس بهتر اینست حالا که چنین حقی میبیم و یک اندازه تسهیل میکنیم تسهیل را خیلی زیاد بکنیم که اگر در چند جا هم تحصیل کرده اند اجازه نامه بآنها داده شود در صورتیکه معلوم نیست آنها های مختلف کجا هاست و آن اشخاص مختلف کجا هستند پس بهتر اینستکه یک قسری بیشتر محدود و سخت باشد که اقلاً یک شخصی پیش یک طبیب حاذق استمراراً پنج سال تحصیل کرده باشد تا اینکه تحصیل او بر یک نهج و بر یک سیاق باشد.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - چون در اینجا قید کرده اند که نزد یک نفر طبیب پنج سال تلمذ کرده باشد حالا اگر فرض بکنیم که چهار سال نزد یک طبیب حاذق تحصیل کرده باشد و چهار سال نزد یکی کرده باشد و هر دوی آنها تصدیق بدهند که هشت سال در پیش ما تحصیل کرده است او را نباید قبول بکنند برای اینکه چرا نزد یک نفر تحصیل نکرده است اینطور صحیح نیست از این جهت بنده پیشنهاد کردم نوشته شود نزد اطباء معروفین کمتر از پنج سال تحصیل نکرده باشند یک نفر باشد یا بیشتر و نفر باشد یا بیشتر پیشنهاد برداشتن قید یک نفر از اطباء معروفین است.
رئیس - رای میگیریم باصلاح آقای آقا

شیخ ابراهیم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) قابل توجه نشد.
اصلاحی هم آقای آقا سید حسین اردبیلی پیشنهاد کردند قرائت می شود (بباعت ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم که (عوض یکی از اطباء معروف ایرانی) نوشته شود (یکی از اطباء صاحب دیپلم)

رئیس - عقیده کمیسیون در این خصوص چیست.
ذکاءالملک - خیلی سخت می شود زیرا که اطباء صاحب دیپلم کم است و آنها کسی که صاحب دیپلم بوده اند مدت اقامتشا در این جا غالباً کم بوده است و مجال نداشته اند که شاگرد تربیت بکنند و اگر این طور قرار بدهیم تقریباً این حق سلب میشود .

آقا سید حسین اردبیلی - این جا یک نکته را هم بنده رعایت کرده ام و آن اینستکه آن یک نفر از اطباء که تصدیقش را وزارت معارف سندیت میدهد باید صاحب دیپلم باشد و ایرانی بودنهم شرط نیست برای این که بودن این قید خودش یک نوع تفضیفی است چون اطباء معروف ایرانی که صاحب دیپلم باشند خیلی کم است اینستکه بنده پیشنهاد کرده ام که یکی از اطباء صاحب دیپلم اعم از این که اروپائی باشد یا ایرانی حالا اگر قبول میفرمائید کلمه ایرانی حذف شود بنده پیشنهاد خود مرا مسترد میدارم .

ذکاءالملک - بنده قبول میکنم که کلمه (ایرانی) حذف شود .

آقا سید حسین اردبیلی - بنده هم قسمت آخر پیشنهاد خود را مسترد میدارم .

رئیس - پس ماده پنجم قرائت میشود رای میگیریم (ماده پنجم با حذف کلمه (ایرانی) از فقره اول قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم باین ماده آقایانیکه موافق هستند قیام نمایند .
(اغلب قیام نمودند) با اکثریت (۳۸) رای تصویب شد ماده ششم خوانده میشود (بباعت ذیل قرائت شد)

ماده (۶) اشخاصیکه بیش از ده سال در تهران استمراراً مشغول طبابت بوده اند بهر حال حق دارند اجازه نامه طبابت بگیرند .

حاج وکیل الرعایا - بنده آن ایرادی را که در ماده چهارم کردم و طرف توجه نشد باز هم تکرار میکنم عرض میکنم اشخاصیکه طبیب میخواهند مقصودشان اینستکه بعد از خسارت یک سلامتی برای خودشان تحصیل کرده باشند و بنده هیچ نمیتوانم تصور بکنم که یک نفر هر قدر هم سفیه باشد پول خودش را بدهد و معالجه او خیلی بزرگت بیفتد و شاید هم معالجه نشود و اینرا هم ملاحظه فرمائید که قبل از اینها یک اشخاصی بوده اند که همینقدر مشغول بوده اند و این کار را یک کسی برای خودش بدست گرفته بودند بدون این که اقلاً یک مقدماتی را تحصیل کرده باشند و حالا تصور نمیکنم که ما اینقدر مجبور باشیم که

تصویب بکنیم جناب مردم بدست آنها باشد مملکت ما این قدر خالی نیست و هستند اشخاصیکه اگر در مملکت متعرق بشوند یک قدری بخوبی میتوانند ما را از آن قسم اشخاص مستغنی بکنند و باز هم تکرار میکنم که از زمان میرزا تقی خان اتابک تا امروز که متجاوز از شصت سال است دارالفنون ما اشخاصی را بیرون داده است برای طبابت که ما میتوانیم آنها را قسمت بکنیم بتمام مملکت و الا چطور میشود که ما بگوئیم چون این شخص دمسال است که این کار را کرده است ولو اینکه هیچ چیزی هم مربوط نبوده است حالا هم که سال یازدهم است باشد تفاوت اینجاست که تا بحال که او اینکار را نمیکرد است ما شریک در این قول او نبودیم و اما امروز که ما میخواهیم رای بدهیم عقیده ام اینستکه رای داده ایم بآن چیزی که نباید بآن رای بدهیم و خودمان را شریک با او قرار دادیم از این جهت بنده نمیتوانم در این خصوص رای بدهم

حاج شیخ الرئیس - باید نماینده محترم متوجه این نکته شده باشد که این ماده اگر تصویب شود مجبور نمیکند مرضی را که بطیب غیر حاذق رجوع بکنند این یک امری است اختیاری و ما تجربه میبینیم در همه شهرها که شاید یک طبیب دارای اعلا درجه طبابت بوده بلکه رب النوع اطباء باشد یک قاضی و یک خانواده نظر بتجاری که حاصل کرده اند یک طبیبی که سالها باید در مقام علمیت پیش او تلمذ بکنند اعتماد دارند و باو رجوع میکنند و هیچ مورد اعتراض نیست علاوه بر این بنده عرض میکنم که این یک تعقیفی است که بعد از این حاصل خواهد شد یعنی از حالا این قانون بنا مینماید که بعد از این اطباء غیر مجاز نمیتوانند داخل عمل بشوند ولی طبییکه تا بحال ده سال است طبابت کرده است ولو بآن نظریکه نماینده محترم میفرمایند که شاید در این ده سال کار او آدم کشی بوده است ولی در این مدت ده سال اگر پنج سال آدم کشی است در پنج سال دیگر احوال بکننده بوده است برای اینکه یک قسمت از طب تجربه است و این مسئله را اگر حضرت رئیس تصویب بفرمائید لازم میدانم برای استحضار خاطر آقایان عرض بکنم که در خمسه کتابی هستند که میل میزنند بقول طبباء و قدح میکنند و اینها یک خانواده ای هستند یک وقتی چند نفر از آنها آمدند باسلامبول چشم نایبنا را بینا کردند این بود که آنها را گرفتند و بسجس بردند که تو در کجا تحصیل کرده طبقات چشم چند تا است پیش کی درس خوانده بعد به بنده متوسل شدند بنده بسفیر پیغام کردم و آخر در یک محضری که تمام اطباء جمع شده بودند مدلل کرد و خیلی تماشایی بود گفت من نماینده چشم هفت طبقه دارم یا هفتاد طبقه ولی شما کور بیارید بینا بپرید و همینطور هم کردند چند نفر کور را آوردند معالجه کرد و معجز عسوی از او سرزد پس این کار نه از اینستکه شمی یا کیمی را میدانند بلکه از قوت و قدرت بر عمل و مواظبت در کار است باز هم اگر اصرار میفرمائید بنده قانون شیخ الرئیس را هم برای شما میآورم و ارائه می دهم که مکتوب الملم- علمان و عملتان علم علمی و علم علی .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافست) رای میگیریم باین ماده (تهران باید باشد یا اینکه بر میدارید)

ذکاءالملک - لفظ (تهران) باید باشد .
رئیس - رای می گیریم باین ماده شش را بپورت کمیسیون آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت (۳۸) رای تصویب شد ماده هفتم خوانده میشود (بباعت ذیل قرائت شد)

ماده (۷) برای آنکه اشخاص مذکور در ماده پنجم و ششم این قانون بوزارت معارف معرفی شده اجازه نامه بگیرند از تاریخ نشر این قانون تا مدت چهار ماه کمیسیونی در وزارت معارف منعقد خواهد بود که اشخاص مزبور بتوانند خودشان را بآن کمیسیون معرفی نمایند و کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود .

اولاً - از یک نفر از معدن طب مدرسه دارالفنون تانیاً - از یک نفر از اطباء مریضخانه دولتی .
ثالثاً - از یک نفر از اطباء مریضخانه آمریکائی .
رابعاً - از یک نفر از اطباء معروف ایرانی .
خامساً - از دو نفر نماینده وزارت معارف که یکی از آنها رئیس کمیسیون خواهد بود اشخاص مزبور را وزیر معارف تعیین خواهد نمود .

رئیس - مخالفی هست؟ (اظهار نشد) مخالفی نیست - رای می گیریم باین ماده هفتم آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت (۳۹) رای تصویب شد ماده هفتم خوانده میشود (بباعت ذیل قرائت شد)

ماده () - از تاریخ نشر این قانون تا مدت ۳ سال هر سال دونوبت در بهار و بائیزیک کمیسیون در وزارت معارف منعقد خواهد شد برای اینکه مطابق ماده پنجم این قانون اشخاصی را که بیش از پنج سال و کمتر از دمسال در تهران طبابت کرده و هیچ نوع تصدیقی ندارند و خود را بکمیسیون مذکور در ماده قبل معرفی نموده اند بمرض امتحان در آورند کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود .

اولاً - از معلمین رسمی طبی دارالفنون .
تانیاً - از چهار نفر از اطباء معروف .
ثالثاً - از یک نفر نماینده وزارت معارف که رئیس کمیسیون خواهد بود .

تعیین اشخاص مذکور با وزارت معارف است .

رئیس - آقای معز الملک مخالفید .

معز الملک - بنده چون در راپورت سابق کمیسیون لفظ (آمریکائی) نوشته شده بود تصور کردم که در این راپورت هم نوشته اند حالا معلوم می شود که حذف کرده اند از اینجهت عرضی ندارم .

رئیس - دیگر مخالفی هست؟

حاج شیخ اسدالله - مدت انعقاد این انجمن رانمی نویسند همینقدر می نویسند در اول بهار و بائیز منعقد میشود .

ذکاءالملک - این دیگر جزئیات است و لازم نیست که در اینجا معین شود که چند روز کمیسیون منعقد خواهد شد .

رئیس - رای می گیریم باین ماده هشت آقایانیکه ماده ۸ را بر تیبی که خوانده شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت (۴۹) رای تصویب شد ماده نهم از راپورت جدید قرائت میشود (بباعت ذیل خوانده شد)

ماده (۹) - اشخاصیکه تا تاریخ نشر این قانون در ولایات مشغول طبابت بوده یا در طهران و ولایات دندنا سازی می کردند باید بعد از نشر این قانون خود را بوزارت معرفی کرده تحصیل اجازه نامه برای مداومت بشفل مزبور بنمایند لیکن پس از انقضای مدت شش ماه در هیچیک از نقاط ایران هیچیک اجازه نامه طبابت و دندنا سازی داده نخواهد شد مگر بوجوب اسناد مذکور در ماده دوم این قانون .

دکتر حاج رضاخان - با اینکه بنده هیچ اجازه نامه غیر از اجازه و دیپلم مدرسه اجازه نامه نمایانم همراهم در اینکه حالا که این بولایات تعمیم داده شده است بیاینده اجازه نامه از دولت تحصیل بکنند ولی اینجاست که اینجا نوشته شده است اسباب زیاد روی مأمورین خواهد شد بجهت اینکه اینجا همینقدر نوشته شده است تحصیل اجازه نامه دیگر تصریح نکرده است که این تحصیل بچه قسم خواهد شد و فقط چیزی که برای رفع این اشکال کافی است گمان میکنم این است که بحکومت محل یا نظمی محل معرفی خود را بکنند برای اینکه امتحان که لازم ندارد این است که بنده تقاضا میکنم که کمیسیون عبارت را طوری بنویسند که تصریح شود که معرفی بحکومت یا نظمی یا انجمن کافی باشد و جلوگیری از زیاد روی مأمورین خواهد شد و از این گذشته در نقاط نزدیک ممکن است از برای طبیب اشکال داشته باشد که خود را بوزارت معارف معرفی بکنند چه رسد باینکه یک طبیبی که در اقصی بلاد ایران است خودش را معرفی بکند و تصدیق از برای احراز وزارت معارف صادر بشود .

ذکاءالملک - ملاحظه میفرمائید که اینجا هیچ مقید نشده است که آن شخص بچه ترتیب تحصیل اجازه نامه بکنند بلکه همینقدر این ماده میگوید که لازم است وزارت معارف اجازه نامه باو بدهد حالا چه کار بکنند که وزارت معارف این اجازه نامه را باو بدهد این بسته است بیک ترتیبی که وزارت معارف اتخاذ بکنند باینکه آن شخص برود در حکومت خودش را معرفی بکنند و حکومت بنویسد که برای فلان شخص اجازه نامه باید داده شود یا بر تیب دیگر این مقصود را حاصل کند و این قانون هیچ منافی نیست با آن ترتیبیکه آقای دکتر حاج رضاخان فرمودند آن در وزارت معارف معین خواهد شد و این قانون هیچوجه دست و پای وزارت معارف را نمیبندد و از اینکه یک ترتیبی برای این کار قرار بدهد و اگر میفرمائید برود در نظمی خودش را معرفی بکند و تصدیق نامه ای در نظمی بگیرد گمان نمیکنم جائز باشد باید اجازه از مرکز و وزارت معارف داده شود اما اینکه چطور آنرا تحصیل بکنند آنرا البته ممکن است که برود بنظمی یا حکومت یا بر طریقیکه ممکن است خودش را معرفی بکند و از مرکز اجازه نامه بگیرد و

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) یک فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود - بر تیب ذیل از طرف آقای حاج شیخ اسدالله قرائت شد .
بنده پیشنهاد میکنم که تا مدت یکسال اجازه نامه تحصیل نمایند .
رئیس - در این پیشنهاد چه میفرمائید

ممكن هم هست که برای ولایات مختلف ترتیبات مختلفی داده شود .
حاج سید ابراهیم - با این بیاناتیکه برای تحصیل اجازه نامه شده مدت شش ماه را خیلی کم میدانم بجهت اینکه تا این قانون بگذرد و به بلاد دوردست برسد مسلماً از شش ماه بیشتر طول خواهد کشید از این جهت بنده تقاضا میکنم که مدت یکسال را قرار بدهند .
بنده است تصور میکنند تحصیل اجازه نامه محدود بشش ماه است و حال آنکه بنده گمان میکنم که مواد کمیسیون این باشد که طلب اجازه و استجازه در مدت شش ماه باید باشد نه حصول اجازه و در این مدت هم از اقصی بلاد ایران ممکن است طلب اجازه بشود و وزارت معارف بر حسب وظیفه خودش تحقیقاتی را باید بکند بنمایند اجازه بدهد ولی بعد از شش ماه اگر یک طبیب جدیدی بخواهد استجازه بکنند نیاید داده شود .
ذکاءالملک - مقصود کمیسیون این بود که آقای حاج آقا فرمودند مقصود کمیسیون این بود که از تاریخ نشر این قانون تا شش ماه اشخاصی که طبابت می کنند در ولایت و تصدیقنامه ندارند وزارت معارف بآنها اجازه بدهد والا بوجب یک ماده دیگریکه نوشته شده است اگر آقایان ملاحظه بفرمائید وزارت داخله بعد از شش ماه مأموریت خواهد داشت که آنها را از طبابت ممنوع بکنند حالا اگر نظر آقایان باین است که شش ماه کم است کمیسیون هم در این باب مخالفت ندارد و ممکن است واقعا برای بعضی بلاد دوردست هم اسباب زحمت باشد و نتوانند در مدت شش ماه تحصیل اجازه نامه بکنند و اگر بخواهند مدت از این اندازه زیادتر باشد کمیسیون هم موافقت خواهد داشت .

لواءالدوله - بنده اول هم عرض کردم زمانی که یغبر اکرم علم ابدان را با علم ادیان برابر میکنند و بعد علم ابدان را بر علم ادیان مقدم میدارد معلوم می شود که این علم خیلی اهمیت دارد و باید خیلی در آن دقت بکنیم نه اینکه بطیبی که ده سال است طبابت کرده است و مرض را بصحت ابدی رسانیده است برای اینکه ده سال است طبابت کرده است اجازه داده شود و حالا که قرار داده اند هر کسیکه در ولایات مشغول طبابت بوده است باو اجازه داده شود بنده عرض میکنم که شش ماه خیلی کم است برای اینکه ما می بینیم که بیست ماه است مجلس افتتاح شده است و بولایات اطلاع داده اند که وکلای خودشان را بفرستند و هنوز سی و چهل نفر کسر داریم و در این صورت که مردم از اطباء فرار میکنند چطور می شود در مدت شش ماه بیاینده اجازه بگیرند .

ممكن هم هست که برای ولایات مختلف ترتیبات مختلفی داده شود .
حاج سید ابراهیم - با این بیاناتیکه برای تحصیل اجازه نامه شده مدت شش ماه را خیلی کم میدانم بجهت اینکه تا این قانون بگذرد و به بلاد دوردست برسد مسلماً از شش ماه بیشتر طول خواهد کشید از این جهت بنده تقاضا میکنم که مدت یکسال را قرار بدهند .
بنده است تصور میکنند تحصیل اجازه نامه محدود بشش ماه است و حال آنکه بنده گمان میکنم که مواد کمیسیون این باشد که طلب اجازه و استجازه در مدت شش ماه باید باشد نه حصول اجازه و در این مدت هم از اقصی بلاد ایران ممکن است طلب اجازه بشود و وزارت معارف بر حسب وظیفه خودش تحقیقاتی را باید بکند بنمایند اجازه بدهد ولی بعد از شش ماه اگر یک طبیب جدیدی بخواهد استجازه بکنند نیاید داده شود .
ذکاءالملک - مقصود کمیسیون این بود که آقای حاج آقا فرمودند مقصود کمیسیون این بود که از تاریخ نشر این قانون تا شش ماه اشخاصی که طبابت می کنند در ولایت و تصدیقنامه ندارند وزارت معارف بآنها اجازه بدهد والا بوجب یک ماده دیگریکه نوشته شده است اگر آقایان ملاحظه بفرمائید وزارت داخله بعد از شش ماه مأموریت خواهد داشت که آنها را از طبابت ممنوع بکنند حالا اگر نظر آقایان باین است که شش ماه کم است کمیسیون هم در این باب مخالفت ندارد و ممکن است واقعا برای بعضی بلاد دوردست هم اسباب زحمت باشد و نتوانند در مدت شش ماه تحصیل اجازه نامه بکنند و اگر بخواهند مدت از این اندازه زیادتر باشد کمیسیون هم موافقت خواهد داشت .
لواءالدوله - بنده اول هم عرض کردم زمانی که یغبر اکرم علم ابدان را با علم ادیان برابر میکنند و بعد علم ابدان را بر علم ادیان مقدم میدارد معلوم می شود که این علم خیلی اهمیت دارد و باید خیلی در آن دقت بکنیم نه اینکه بطیبی که ده سال است طبابت کرده است و مرض را بصحت ابدی رسانیده است برای اینکه ده سال است طبابت کرده است اجازه داده شود و حالا که قرار داده اند هر کسیکه در ولایات مشغول طبابت بوده است باو اجازه داده شود بنده عرض میکنم که شش ماه خیلی کم است برای اینکه ما می بینیم که بیست ماه است مجلس افتتاح شده است و بولایات اطلاع داده اند که وکلای خودشان را بفرستند و هنوز سی و چهل نفر کسر داریم و در این صورت که مردم از اطباء فرار میکنند چطور می شود در مدت شش ماه بیاینده اجازه بگیرند .

ذکاءالملک - ترتیب تهران که در مورد سابق گذشت این برای ولایات است و در ولایات هم یکسال باشد بهتر است .

آقا محمد پروچردی - این جا هم مثل ماده چهارم میخواستم عرض بکنم که لفظ (مداومت) یک اداره ترخیص در کار میده از این جهت خوب است لفظ (مداومت بشغل) را (دخالت بشغل) قرار بدهند که رفع اشکال بشود .

ذکاءالملک - این جا مثل ماده چهارم نیست بلکه مقصود در اینجا اینستکه همانطور که طبابت میکرده است حالا هم مداومت میکنند ولسی باید با اجازه وزارت معارف باشد .

رئیس - کسبیبون قبول میکنند که مدت یک سال بشود از این جهت ماده نهم که اصلاح شده است قرائت میشود و رأی میگیریم (بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۹) - اشخاصی که تا تاریخ نشر این قانون در ولایات مشغول طبابت بوده اند باید تا یکسال بعد از نشر این قانون خود را بوزارت معارف معرفی کرده تحصیل اجازه نامه برای مداومت بنمایند لکن پس از انتضاء مدت شش ماه در هیچیک از نقاط مملکت ایران هیچکس اجازه نامه داده نخواهد شد مگر بوجوب اسناد مذکور در ماده دوم این قانون .

رئیس - رأی میگیریم باین ماده نهم به ترتیبی که قرائت شد آقایانی که موافقت فرمایند .

(اغلب قیام نمودند) با اکثریت (۴۹) رأی تصویب شد - بقیه شور این قانون اگر مخالفی نباشد بماند برای جلسه آتی (اظهار شد مخالفی نیست) راپورت کمیسیون داخله راجع بتجزیه بنوجستان از کرمان بتقاضای معاون وزارت داخله جزء دستور امروز شد ولی چون این مسئله رجوع شد بکمیسیون از طرف کمیسیون داخله راپورتی داده اند قرائت میشود و رأی میگیریم .

شور دوم در بقیه قانون طبابت - قانون گرفتن سوار از ایلات - اگر هم وقت پیدا کردیم طرح قانونی ترفیع رتبه نظامی مخالفی هست ؟

معزز الملک - بله .
رئیس - بفرمائید .

معزز الملک - مسئله اخذ سوار از ایلات سابقاً بمجلس آمده است ولی بیک جیتی از مجلس خارج شد یعنی وزیر جنگ تصور میکرد که محتاج بیک تجدید نظری در این لایحه خواهد بود و تصور نمیکنم تا حال تجدید نظر خودش را کرده باشند بنده گمان میکنم در این قبیل مطالب نباید داخل شد تا وقتی که هیئت دولت مصمم نشود برای گذراندن آن و تا زمانی که مهابی اجرای آن نشود ما نتیجه نخواهیم برد از اینکه یک همچو لوایسی بیاید به مجلس و ماری بهیم و بعد در طاق نسیان گذارده شود .

رئیس - اینرا چندین مرتبه تقاضا کرده اند و بنده جزء دستور گذارده ام حالا که جزء دستور میگذاوریم مخالفت می کنید پس رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند در دستور پنجشنبه گذارده شود قیام بکنند (اغلب قیام نمودند) رد شد پس دستور جلسه آتی اینطور میشود - شور دوم در بقیه قانون طبابت و طرح قانونی راجع به ترفیع رتبه نظامی - در راپورت کمیسیون معارف راجع بماده ششم قانون معارف - از برای کمیسیون قوانین مایه در جلسه آتی باید بکنفر بجای آقای میرزا اسدالله خان و بکنفر بجای متین الدین معین شود (مجلس نسیاست از شب گذشته ختم شد) (حاج میرزا رضا خان) بصورت مشروح پس از ملاحظه نمایندگان محترم و اصلاح حضرت آقای حاج میرزا رضاخان مقابله شده صحیح است .

جلسه ۲۵۴
صورت مذاکرات یوم پنجشنبه ۳۳ رجمادی ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و چهل دقیقه قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک افتتاح و در سه ساعت و ربع قبل از غروب رسماً تشکیل گردید صورت مجلس روز سه شنبه قرائت گردید

غائبین جلسه قبل غائبین بدون اجازه آقای میرزا اسدالله خان . عز الملک غائبین با اجازه آقای میرزا مرتضی قلیخان . آقای میرزا رضا نائینی . شبانی . آقای میرزا ابراهیم فسی غائبین از وقت مقرر حاج آقا ناصر الاسلام . آقای سید محمد باقر ادیب . آقای سید حسن مدرس هر یک نیم ساعت دهخدا . نیرالسلطان . ۵۰ دقیقه بجهت . معتمدالدوله . ۴۰ اج امام جمعه ۲۵ دقیقه دکتر اسمعیل خان دوساعت . حاج وکیل الرعایا یکساعت و نیم

رئیس - سه فقره اشتباه شده است یکی اصلاح دکتر علی خان که نوشته شده کمیسیون قبول کرده قبل از آنکه کمیسیون قبول کند رأی گرفته میشود و قبول شد یکی هم ماده طبابت که با اکثریت ۴۴ رأی تصویب شد نوشته شده با اکثریت ۴۳ رأی یکی هم ماده ۹ از قانون طبابت است که نوشته شده از راپورت دوم کمیسیون و از روی راپورت نهم سیم کمیسیون بوده است هر ۳ فقره اصلاح میشود

ذکاءالملک - اینجا که از قول بنده نوشته شده است که عرض کردم مالکی که مدارس طبی دارند باید تصدیقنامه آنها قبول شود عرض کردم مالکی که مدارس طبی دولتی دارند

رئیس - لفظ دولتی اضافه میشود - دیگر ملاحظاتی هست .
عز الملک - بنده هم اجازه خواسته بودم

رئیس - راجع بشیئت است .
عز الملک - بلی
رئیس - این مسئله راجع باداره مباشرت است بآنجا اظهار فرمائید بهیئت رئیسه میرسد
عز الملک - اگر اجازه بفرمائید عرض می کنم .
رئیس - عرض کردم اگر راجع بشیئت است باداره مباشرت رجوع فرمائید اجازه نمیدهم

عز الملک - مقصود بنده این نیست که چهار هزار اداره مباشرت از بنده بگیرد میخواستم که یک ساعت بی اجازه غائب شده باشم (در این موقع زنگ زده شد)

عز الملک برخاست از جای خود بیائین آمد اظهار کرد اینجا که نطق آزاد نیست .
رئیس - بشما اخطار میکنم (عز الملک باتفریح بیحال خروج از مجلس حرکت کرد)

رئیس - اخطار بشما می کنم باید در صورت مجلس
عز الملک - در حین بیرون رفتن از مجلس اظهار کرد که ده مرتبه در صورت مجلس قید بفرمائید .
رئیس - ماده ۱۲۸ نظامنامه را بمضمون ذیل قرائت نمود .

ماده ۱۲۸ مواخذه در موارد ذیل است اولاً نماینده کبیس از اخطار باقی در صورت مجلس در همان جلسه مجدداً از دائره نظم خارج میشود

رئیس - تقاضا میکنم که ماده ۱۲۸ راجع بمواخذه باید در حق عز الملک که از دائره نظم خارج شدند آقایان ملاحظه کردند اجرا شود رأی می گیریم آقایانیکه مواخذه را تصویب میکنند در حق ایشان قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت ۴۸ رأی تصویب شد
آقا میرزا احمد - بنده اخطار نظام نامه دارم .
رئیس - در چه مسئله اخطار نظامنامه دارید .
آقا میرزا احمد - در همین مسئله که رأی گرفتید .
رئیس - بفرمائید .

آقا میرزا احمد - مستمسک حضرت عالی بی اجازه حرف زدن او و حرکت ایشان از صندلی بود وقتی که اخطار فرمودید دیگر مخالف نظم رفتار نکردند .

رئیس - بله اخطار کردم ولی بعد از اخطار بایستی که برگشته باشند بجای خودشان و حال اینکه اظهار داشتند که هر چه میخواهد بکنید و از مجلس خارج شدند - دستور امروز قانون طبابت

قانون ترفیع رتبه نظامی - ماده ۶ از قانون معارف شروع میکنیم بنانون طبابت ولی بیست نفر از آقایان تقاضای کردند راجع بقانون طبابت قرائت میشود و رأی میگیریم (تقاضای مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

چون در بعضی از موارد قانون تجدید طبابت نظریات مهمه است و از کمیسیون صحنه مجلس شورای ملی هم نگذشته در صورتی که این کمیسیون خصوصاً میبایستی عقاید خود را در این لایحه بمجلس مقدس عرضه میداشت لهذا این بنده تقاضا مینماید که این لایحه را بانجا رجوع فرموده با حضور وزارت داخله و وزارت معارف مذاکرات لازمه بعمل آورده و نظریات خود را ضمیمه کرده تقدیم مجلس شورای ملی نماید (امضا کنندگان دکتر حیدر میرزا رئیس کمیسیون ۱۶ نفر دیگر از نمایندگان) .

دکتر علیخان - این پیشنهادی که شده است بنده هیچ ملتفت نمیشوم که از روی چه موضوع و از روی چه قاعده است یک لایحه از طرف وزارت علوم پیشنهاد مجلس شده است و مدتها است در دست نمایندگان بوده است و آنچه نظریات و مضامین در آن لازم بوده است بنظر بنده کرده اند بعد از آنکه از کمیسیون راپورت او داده شده است آقایان نمایندگان هم ملاحظاتی و مطالباتی که میبایستی بکنند کرده اند و آنچه هم باید در شور اول مذاکره بشود شده است و بعد هم یک مدتی گذشته است تا رسیده است بشور دوم چند ماده او هم گذشته است و حالا بعد از این همه مدت و مذاکرات اظهار کرد که بعضی نظریات در این جا هست باید بشود بنده هیچ نمی فهمم که معنی این چیست و اگر اینطور باشد ممکن است که هر قانونی سه سال در مجلس بماند برای اینکه شور دومش که تمام شد چند نفر تقاضا کنند که بعضی نظریات هست و باید مجدداً در این قانون آن نظریات بشود البته کمیسیون وقتی که این قانون را مطالعه میکرد بهمه آقایانی که در این خصوص لازم بود اصلاحات داده شد و حال آنکه لازم نبود بجهت اینکه در مجلس همیشه گفته میشود که راپورت کدام کمیسیون بمجلس خواهد آمد و خود آنها بدون اطلاع مخصوص نمیتوانستند که بکمیسیون معارف تشریف بیآورند و هر گونه نظریاتی داشته باشند بفرمایند و تمام کمیسیون معارف یعنی آنچه را که صحیح بود قبول میکرد و کمیسیون هم هیچوقت مذاکراتی نمیکنند با حضور وزراء یا معاونین آنها تا نظریات آنها را بنیبه راپورتی نمیدهند قبل از نظریات وزراء بعد از اینهمه مذاقه و مدتی که طول کشیده است و حالا تقریباً این یکی از قانونهای صحیحی است که از برای وزارت معارف میخواهد بگذرد و نباید باین ترتیبی که هیچ صحیح نیست مانع شد و کمیسیون صحنه را هم فرمودند کمیسیون صحنه برای خاطر یک مطلب بتقاضای آقای دکتر امیرخان منعقد شد و بعد هم منحل شد دیگر کمیسیون باقی نیست که بکمیسیون برود و بفرش هم که بخواهند آن کمیسیون را مجدداً منعقد بکنند اعصاب آن همان اشخاص خواهند بود که در کمیسیون معارف بوده اند و در خارج هم

در این قانون نظر کرده اند بنده ابدأ صلاح نمیدانم این قانون باین ترتیب برگردد و در واقع توقیف بشود وقتی که رفت دیگر معلوم نیست که کسی خواهد آمد بمجلس .

آقا میرزا ابراهیم خان - یکی از امضا کنندگان این پیشنهاد بنده بودم و البته نظریاتی داشتم که تقاضای حضرت والا د کتر حیدر میرزا را همراهی کردم و بنده بکلی مخالف بودم با عنوان قانون تجدید طبابت مثل اینکه از اول هم در هیچ ماده از موادش رأی ندادم و حالا این موقع را غنیمت می شمارم که با اجازه مقام ریاست این عرض را کرده باشم ما نباید همیشه در دل خوش باشیم بر اینکه فصولی چند باسم مواد بی معنی قانون از مجلس بیرون داده باشیم ما باید بدانیم که آیا این قانون در خارج از مجلس پیشرفت دارد یا ندارد و عنوان آن صلاحیت دارد یا ندارد در ماده دوم این قانون میگوید کسانی که بنجال الی ده سال طبابت کرده باشند نمیتوان با آنها اجازه طبابت داد مگر

رئیس - اینقدر تفصیل لازم نیست برای اینکه در خود این قانون حرفی نیست در این پیشنهاد است که این قانون برود بکمیسیون یا نرود .

آقا میرزا ابراهیم خان - اینطور که میفرمائید بنده همیشه عرض می کنم که با این قانون مخالفم و با توقیفش موافق دیگر از این مختصر ترچه عرض کنم .

وحید الملک - از دلیلی که برای تأیید این پیشنهاد اظهار شد بنده هیچ قانع نشده چنانچه آقای دکتر امیرخان گفتند کمیسیون صحنه یک کمیسیون دائمی نبود کمیسویی بود که از برای یک کار معین و شخصی منعقد شد بعد از گذشتن آنکار منحل شد و بنده آنرا کمیسیون رسمی که در نظامنامه قید شده باشد نمیدانم و بنده میدانم چه کمیسویی از برای حل یک چنین مسئله بهتر است کمیسیون معارف خواهد بود و برای اینکه امور انتخاب شده است و این قانون قریب یکسال است که در کمیسیون معارف بوده و تقریباً وزارت معارف بی خبری که تجدید شده است در این نظریات خودشان را کرده اند و بعد از آن نظریات بمجلس آمده است و بنده هیچ ضرری نمی بینم یک قانونی که علمی و برای مملکت لازم است باید بمجلس بیاید از مذاقه زیاد بگذرد نباید بیبیلی بعد از نقیذات لازمه نگذرد که منافع بزرگی راجع بصحنه عموم نشود .

رئیس - گمان میکنم که مذاکرات پیش از این در اینخصوص لازم نباشد .

دکتر حیدر میرزا - اجازه بفرمائید نظرات خودم را عرض کنم .
رئیس - بفرمائید .

دکتر حیدر میرزا - سه نظر اینجامست که این فرق کرده است یکی آنکه وزارت معارف این قانون را راجع بطهران خواسته بودند ابتداً بحال بر گشته است راجع بعموم ایران و دیگر آنکه در میان طب ایرانی و فرنگی که هم هر دو را استعمال میکنیم حدودی معین نکرده است که تکلیف اطباء ایرانی و طب ایرانی چیست گذشته از اینکه وزارت معارف قبول کند این

قانون را میخواهیم بدانیم وزارت داخله که مجری است اینرا قبول می کند آیا نظریات قبول خودش را باین ترتیب اظهار کرده است یا خیر ما برای اینکه هم تکلیف طب ایرانی و فرنگی معلوم شود و هم وزارت داخله نظریات خودش را بگوید و میتواند طبی کدر ایران معمول بوده است حالا تجدید شده و در طهران ابتداء منظور بوده حالا بتمام ولایات تعمیم داده شده است اجرا نباید این تقاضا را کردیم که با این نظریات برگردد بمجلس و هر طور که مجلس رأی میدهد بگذرد .

رئیس - رأی می گیریم باین پیشنهاد آقای دکتر حیدر میرزا و باینتره دیگر که تقاضا کرده اند **دکتر حیدر میرزا** - اجازه بفرمائید کمیسیون صحنه منعقد شود هر چه طیب هست در آنجا حاضر شوند برای مذاکره (زنگ زده شد)

رئیس - بگذارید بنده مطلب را بگویم تمام که شد آنوقت اجازه بخواهید نطق کنید بی اجازه چرا - حالا رأی میگیریم باین تقاضای کشته آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند تصویب شد ماده دوم قرائت میشود .

(ماده دوم بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۱۰ - هر کس برخلاف مقررات مواد فوق بشغل طبابت مشغول شود در نوبت اول منع میشود و در نوبت دوم چهارماه حبس و در نوبت سوم یکسال محبوس خواهد شد .

دکتر حیدر میرزا - بنده عرضم در اینماده نبود آنجا که امضاء کرده ام در کل است و در تمام اینمواد عرض دارم .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - اینکه نوشته اند در نوبت اول منع میشود اینرا تفهیم منیع که بوجوب این قانون شده است دیگر منع میشود یعنی چه منع که مجازات نیست باید یک چیزی باشد قانون خودش منع است .

ذکاءالملک منع مقصود این است که نمیگذارند طبابت بکنند یعنی یک شخصی یک حکمه باز کرده است بدون اینکه رعایت مواد این قانون را کرده باشد دولت همینکه ملتفت شد فوراً در باره او مجازاتی اجراء نمیکند میروند با او میگویند که نباید طبابت بکنید مگر اینکه اجازه نامه از دولت داشته باشد مطب او را می بندند شاید کسی بوده است که واقفاً اطلاع نداشته است چون اسباب انتشار قانون در مملکت ما با تسهولت کدر سایر جاهامشود نیست و شاید آنشخص بدون قصد مخالفت عمدی مطب باز کرده باشد مقصود اینست که سختی زیاد نکرده باشیم و اطباء چون مردمان محترمی هستند فوراً بعضی این که یک حرکت خلافی کردند نبایستی آنها را مجازات کنیم اول منع میکنیم بعد از منع اگر دوباره دیدیم که همان خلاف را کرد معلوم میشود که متعمد و سرکش است آنوقت مجازات میشود .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - باز آنچه من عرض کردم جواب داده نشد منع میشود یعنی چه یعنی دولت میگوید که این کار را نکن این قانون که وضع شد بالطبع منع میکند پس این اخطارات بنویسند اخطار میشود یا چیزی دیگر و الا منع میشود منع که شده است بوجوب این قانون .

در این قانون نظر کرده اند بنده ابدأ صلاح نمیدانم این قانون باین ترتیب برگردد و در واقع توقیف بشود وقتی که رفت دیگر معلوم نیست که کسی خواهد آمد بمجلس .

معمول میدارند حالا مقصودشان از اینکه نسخه رمز را که پیشنهاد میکنید قبول داریم.

رئیس - برای این که معطل نشویم ماده ۱۱ را میخوانیم بعد در ماده دهم که پیشنهاد شد رأی میگیریم.

ماده ۱۱ - در اول ارسال صورت اسامی اشخاصی که اجازه نامه طبابت بآنها داده شده است یا موجبات حصول اجازه نامه توسط وزارت داخله اعلام خواهد شد.

رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود) رأی میگیریم باین ماده که در راپورت اولی ماده ۹ بود حالا ماده ۱۱ شده است آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

رئیس - تصویب نشد (بعضی اظهار کردند که ملتفت نشدیم)

ذکاءالملک - بنده نمایانم که علت تصویب نشدن این ماده چه بود چه مخالفتی داشتند با این که هر ساله اشخاصیکه اجازه نامه میگیرند اسامی آنها اعلان شود که مردم بدانند.

رئیس - علت الزام نیست بدانید رأی گرفتیم رد شد.

ماده ۱۲ - بعد از انتشار این قانون هیچ ضمیمی برای امور صحیح و طیبیه در ادارات دولتی مستخدم و اجیر نخواهد شد مگر این که بموجب اسناد مذکور در ماده دوم دارای اجازه نامه طبابت باشد.

رئیس - مخالفی نیست؟ (مخالفی نبود) رأی میگیریم باین ماده ۱۲ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (با اکثریت ۵۶ رأی تصویب شد) ماده ۱۳ فراتر میشود.

ماده ۱۳ - نسخه رمز کایه متنوع است و هر طبیبیکه نسخه رمز بدهد مجازات او ۴ ماه حبس خواهد بود. توضیح - نسخه رمز عبارت از نسخه‌هایی است که تمام دوا خانه ها بتوانند اسم دوا یا مقدار آن را بفهمند.

محمد هاشم میرزا - این عبارت واضح بمقصود نیست بجهت این که نوشته است نسخهای رمز نسخهایست که تمام دوا خانه ها بفهمند ملاحظه طهرانرا نباید بکنید باید جاهای دیگر راهم ملاحظه کنند زیرا بعضی دوا خانه ها نسخه خط فرانسه را هم نمیتوانند بخوانند. حال آنکه فرانسه نوشتن معلوم نیست که رمز باشد و حال این که نوشته است تمام دوا خانه ها نتوانند بفهمند عرض میکنم این برای تمام دوا خانه ها اشکال خواهد شد ضوری نوشته شود که بفهماند که خطوط غیر فارسی یا اوزان غیر متقال بنویسند که اسباب اشکال نشود که اسباب زحمت برای اطباء نشود.

مخیر - نسخه اگر رمز نباشد همانطور که فرمودند با فارسی است یا یکی از زبانهای متداوله اگر فارسی است که البته همه دواخانه‌ها میخوانند اگر هم فرانسه است دواخانه مکلف است در صورتی که دولت نسخه فرانسه را قبول داشته باشد که بفهمد مگر اینکه رمز باشد و بعضی اطباء هستند که نسخه‌ها را

معمول میدارند حالا مقصودشان از اینکه نسخه رمز می دهند چیست مقاصد مختلفه شاید داشته باشند و ممکن است که مقصودشان این باشد که یک دواخانه مخصوصی بتواند این نسخه را بخواند که با خود طبیب معاهده داشته باشد و سایر دواخانه‌ها نتوانند آن نسخه را بفهمند و آن دواخانه مخصوص هر طور میل دارد با مشتری رفتار کند و این مسلم است که باید ممنوع باشد گویا نماینده محترم هم مخالفت ندارند ولی یقیناً نسخه که رمز میباشد همه دواخانه‌ها می فهمند مگر دواخانه قاصر باشد و چنین دواخانه باید از طرف دولت از دواسازی ممنوع بشود چنانچه یک قانونی هم در خصوص دواسازی در کمیسیون هست و عنبرین بمجلس خواهد آمد.

دکتر حیدر میرزا - عرض میکنم این عبارت چنین می فهماند وقتی که یک دواخانه اینرا خواند این ایراد مرتفع می شود پس خوب است یکطوری بنویسند که بهتر باشد شاید دواخانه مخصوصی باشد که بفهمد کافی نیست باید تمام دواخانه ها بفهمند والا این حکم ظاهرش مرتفع میشود.

دکتر علیچان - گمان میکنم که این عبارت خوب مطلب را بفهماند نوشته است که رمز نسخه است که تمام دواخانه ها نتوانند بفهمند که اگر پرونده نزد یکی که تا فقهیدند کافی نیست سایرین میگویند ما نمی فهمیم این معنوم میشود که باید تمام دواخانه ها یعنی هر دواخانه که این نسخه را ببرند بپهلوی او بفهمد این دیگر کفایت میکند عبارت دیگری لازم نیست.

محمد هاشم میرزا - عرض بنده سوختن تمام شده است بنده مادامه مخالفت نداشتم که چرا زمزمه نوشته شده بلکه اگر با قانونی همانطوریکه فرمودند آن در کدام وقت دولت اجازه می دهد که دواخانه باز کنند آنوقت درست است ولی باینکه هیچ ترتیبی نیست این عبارت را اگر بخوانند قید بکنند که باید تمام دواخانه ها بفهمند در این صورت می بینم اغلب دواخانه ها کفایت برای دوا فروشی ندارند اوزان را کامل میدانند نه اینکه نسخه را غیر فارسی باشد میفهمند بخصوص که اگر هم فارسی نوشته شود نمی دانند مگر اینکه قید شود اینجا که تمام آنها بفهمند اگر آنها تصریح بشود بنده تصدیق دارم والا مجرد این عبارت که نوشته شده است بنده کافی نمی دانم.

مخیر - همینطور که عرض کردم قانون دواسازی همین چندروزه بمجلس می آید و این را راجع بدواسازی است.

رئیس - گویا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است) رأی میگیریم باین ماده ۱۳ آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت ۵۷ رأی تصویب شد. ماده ۱۴ - وزارت داخله مراقب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون را از چهار ماه بعد از نشر آن در تهران و از ششماء بعد از نشر آن در ولایات بموقع اجرا گذاشته شود. **ذکاءالملک** - عرض میکنم که باید آن شخص ما را یکسال نوشت بموجب رأی کدر سابق داده شده است.

رئیس - مجدداً باتبدیل ششماه یکسال فراتر میشود رأی میگیریم.

(ماده ۱۴ - مجدداً ببارت ذیل فراتر شده) ماده ۱۴ - وزارت داخله مراقب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون را از چهار ماه بعد از نشر آن در تهران و از یکسال بعد از نشر آن در ولایات بموقع اجرا گذاشته شود.

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که ماده چهاردهم را بطوری که فراتر شد تصویب میکنند قیام نمایند - (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت ۵۶ رأی تصویب شد حالا مذاکره در کلیات است.

آقا شیخ ابراهیم - ماده دهم مانده است و بنده پیشنهادی کرده ام.

رئیس - بله صحیح است پیشنهاد آقای زنجانی فراتر میشود (ببارت ذیل فراتر شد) بنده پیشنهاد میکنم عبارت ماده دهم چنین اصلاح شود در نوبت اول با اخطار شود.

رئیس - عقیده کمیسیون در این باب چیست؟ **مخیر** - این اصلاح را که نوبت اول اخطار شود کمیسیون قبول دارد.

رئیس - پس ماده ۱۰ باین اصلاح فراتر میشود (ببارت ذیل فراتر شد)

ماده ۱۰ - هر کسی بر خلاف مقررات مواد فوق بشغل طبابت مشغول شود در نوبت اول با اخطار میشود و در نوبت دوم چهار ماه محبوس و در نوبت سوم یکسال محبوس خواهد شد.

رئیس - رأی میگیریم باین ماده ده بطوریکه فراتر شد آقایانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت ۵۷ رأی تصویب شد ماده ۱۱ را چه باید کرد اگر کمیسیون صلاح میدانند طور دیگر پیشنهاد کنند.

مخیر - حالا که تصویب نکردند این ماده را باشد دولت هر وقت لازم دانست البته اسامی را اعلان خواهد کرد و محتاج بقانون نیست.

رئیس - حالا مذاکرات در کلیات است. **دکتر حیدر میرزا** - بنده از ابتدا هیچوقت مخالفت با قانون طبابت و تجدید آن نکرده و نمیکنم البته باید قانون باشد که توسط آن قانون اطباء داننا تر و بصیرتر و عالم تر بشوند ولی باین ترتیبی که لایحه وزیر معارف را دیدم که دو سه ماده او تغییر داده شده و اجرایش را مشکل میدانم یعنی قابل اجرا نیست از این جهت ابتدا باین نظر مخالفت کردم و الا مخالفت بلا لایحه ندارم بهیچ وجه من الوجوه از این جهت عرض میکنم مثلاً نوشته است مطلقاً در ایران طهران را بپل کرد. اند بایران آنهم بعد از شش ماه یا یکسال دیگر این چگونه میشود در سایر ولایات که طبیب هایش از اینجا میروند و در آنجا مجمعی نیست که تمیز و تشخیص بدهند که آیا قابل هستند یا نیستند مگر آنکه آنها از حکومت محل یک تصدیقی بگیرند و بفرستند بوزارت معارف و یک پنج تومانی بدهند تصدیق نامه بگیرند اگر اینطور است که باینطور نمیشود جلوگیری کرد و اینکه سهوات داده شده است باین زیرا ممکن است نظر

بآن اخلاقی که عادت کرده اند صدمه باری بکوره برزند که این شخص که دو سال طبابت کرده پانزده سال بنویسند آنوقت وزارت معارف هم مجبور است که پنج تومان بگیرد و تصدیق بدهد و اینکار را که میخواهند روبرو بهتر بیرند اینطور بدتر میشود از این جهت بنده باینکه به تمام ولایات تعمیم داده شود مخالفم و عرض میکنم که ابتدا باید در طهران این شرایط بعمل بیاید و بعد در سایر ولایات شروع شود و همین ترتیب اسباب تکمیل لوازمات اینکار بشود و در خود طهران یک ایراد دارم آنچه در لایحه وزیر نوشته است از پنج سال بیلا تادم سال اشخاصی که طبابت کرده اند محاز هستند بطبابت بشرط آنکه در مدت سه سال سالی سه مرتبه بیایند امتحان بدهند به ترتیبی که معین است و همان ترتیب را نوشته اند و حال آنکه این عبارت آن مقصود را توضیح نمیکند که میانه پنج سال الیه سال باشد گذشته از اینها اشخاصیکه با طبای ایرانی مداوا میکنند ادویه فرنگی را استعمال میکنند در حدرد اینها چگونه میشود اینکار را کرد و آنها تحصیلی را که کرده اند تمام شرح نفیس است و شرح اسباب و قانون شیخ رئیس و اینها را بهیچوجه من الوجوه قبول نخواهند کرد بالفرض هم اگر حالا ادعا میکنند به طب فرنگی فردا خواهند گفت ده قلم دوا فرنگی را بیشتر استعمال نمیکنیم و اصلاً نسخهای مادوهای ایرانی است از این جهت بنده اشکال کلی در پیشرفت اجرای این قانون می بینم.

مخیر - اما در اینکه تعمیم این قانون را در ولایات میفرمایند اسباب اشکال است و زیاد تجدید شده است غیر از این چاره نیست هر وقت دولت بخواهد یک قانونی از برای تجدید طبابت بنویسد چاره جز این ندارد که بگوید تا امروز کسانی که طبابت کرده اند بکنند و لکن از امروز به بعد کسی حق طبابت کردن ندارد مگر اینکه تحصیل کرده و اجازه نامه داشته باشد باین ملاحظه در ولایات میگوئیم که این قانون را باید تعمیم داد منتهی این است که چون امر طبابت یک امر مهمی است و راجع بفسوس مردم است در طهران میتوانیم بعضی شرایطی هم قرار بدهیم که اطبای طهران بصحت نزدیک تر باشند و اگر در طهران هم آن معذور ولایات بوده مجبور بودیم که آنطور رفتار بکنیم ولی از این جهت باید قانون باشد که توسط آن قانون اطباء داننا تر و بصیرتر و عالم تر بشوند ولی باین ترتیبی که لایحه وزیر معارف را دیدم که دو سه ماده او تغییر داده شده و اجرایش را مشکل میدانم یعنی قابل اجرا نیست از این جهت ابتدا باین نظر مخالفت کردم و الا مخالفت بلا لایحه ندارم بهیچ وجه من الوجوه از این جهت عرض میکنم مثلاً نوشته است مطلقاً در ایران طهران را بپل کرد. اند بایران آنهم بعد از شش ماه یا یکسال دیگر این چگونه میشود در سایر ولایات که طبیب هایش از اینجا میروند و در آنجا مجمعی نیست که تمیز و تشخیص بدهند که آیا قابل هستند یا نیستند مگر آنکه آنها از حکومت محل یک تصدیقی بگیرند و بفرستند بوزارت معارف و یک پنج تومانی بدهند تصدیق نامه بگیرند اگر اینطور است که باینطور نمیشود جلوگیری کرد و اینکه سهوات داده شده است باین زیرا ممکن است نظر

بطب فرنگی و طب ایرانی را متروک میکنند در هر حال این باعث این نمی شود که تمیزی بین طب ایرانی و فرنگی قرار بدهیم دولت یک طب می شناسد و یک طبیب حالا آن طبیب چه طبیبی بخواند مطلب دیگری است مثلاً شاید امروز رأی دولت این باشد که هم قانون شیخ رئیس بخوانند هم طب فرنگی یا شاید دولت یعنی آن اشخاصیکه بصیرت دارند از طرف دولت بگویند که ما طب ایرانی بهیچوجه محتاج نیستیم طب جدید کافی است و هر طبیبی که طب فرنگی خوانده باشد مجاز است و اگر طب ایرانی خوانده باشد مجاز نیست در این باب ما هیچ محتاج باین مذاکرات نیستیم بسته بنظر دولت است و در قانون لازمه نیست چیزی در این خصوص ذکر شود.

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم مخالف هستید - بفرمائید. **حاجی سید ابراهیم** - بنده در کلبه این قانون اساساً در تجدید اطباء مخالف نیستم ولی چون لایحه وزیر اختصاص طبابت داشت و راپورت کمیسیون شامل دندان سازی هم میشود و چون مسلمانان کمال بی وقوف پیش از طبیب بی وقوف است. **رئیس** - صبر کنید شما که مخالف هستید شما یک چیزی پیشنهاد کردید راجع بیک جانی و مادا اول جواب این پیشنهاد را بدهد که بآن ترتیب رفت بکمیسیون و آمد بیکر و نمودار دادها را سر کار آقای لسان الحکماء مواد الحاقیه پیشنهاد کرده اند حالا که موقع نیست در کلیات حرفی دارید بفرمائید. **لسان الحکماء** - بنده عقیده ام این است که برای اجرای هر قانونی نظر هیئت وزراء اول شرط است مخصوصاً نظر وزیر داخله در اجرای قانون میبکشد خیلی اهمیت دارد و اینجا بنده در مذاکرات مخیر کمیسیون چنین شنیدم که فقط وزیر معارف با معاون وزارت معارف تشریف نداشته اند و نظریات خودشان را نکرده باشند و مستحضر نیستند بنده پیشنهاد می کنم که رأی کلی را موکول بکنند باینکه وزیر داخله از این قانون مستحضر بشود و بعد رأی کلی را بگیرند. **آقا شیخ ابراهیم** - اصل نظر در این قانون بر اینست که دولت بشناسد اشخاصیکه در مملکت حق دارند طبابت بکنند که هر روز یک کسی برنجیزد طبابت بکنند که دولت با او حرفی نداشته باشد و مؤاخذه نتواند بکنند که تو چرا آدم کشتی چر او دادی مقصود اینست که در هر ولایت بدانند که اذن بدهد ولو اینکه اشخاصی که خیلی بدند آنها را هم اذن بدهد لکن بشناسد و صحیح است بدانند در فلان شهر چند نفر و در فلان ده چند نفر را اجازه داده و بآنها بگوید شما مشغول هستید تا آنکه دولت این اشخاص را بسمت طبابت شناخته و غیر اینها را نخواهد شناخت و کسی غیر از آنها اگر دست باینکار زد و مؤاخذه بکنند همچو قانونی در مملکت خیلی لازم است داشته باشیم حتی در دهات این دلکها را دیده ایم که میگزند هر طبیبی که دلشان میخواهد می کنند حالا خوب یا بد یا چند سال طبابت کرده باشد یا فلان شرط را دارا باشد

لا اقل باید دولت اجازه بدهد و بشناسد در این شهر که این مملکت چند نفر دارف رجوع واقع شده اند و اشخاص دیگری اگر متصدی عمل شوند جلوگیری میکند و این کسانی که طرف توجه و رجوع و مجاز شوند البته تو بیات عملیات آنها را هم خواهد دید باید قانونی باشد همان کسانی که طبابت کرده اند باید امتحانات بدهند که چطور دوا داده اند فهمیده اند یا کرده اند یا خطا کرده اند صحیح بوده است غیر صحیح بوده است و جلوگیری می کند از کسانی که طرف توجه نیستند چنین قانونی لازم است لکن این اساس آن کار است حالا اگر نواقص دارد آنها تکمیل خواهد شد آنچه هم راجع به دوا اظهار شده ابتدا بر طبق بدوا سازی نداشت طبیب نباید نسخه رمزی بدهد دواسازها طبیب ها را می بیند و با دوا خانه سازش می کنند مثلاً شورینی را - میسوری می گویند آنوقت دوا صد دیناری را می دهد پنج هزار یعنی ساختگی و یک دوائی می نویسد که غیر از خودشان دیگری نفهمد نسخه باید طوری باشد که اگر این دوا فروش قیمت آنرا گران گفت آن دیگری بگوید من می دهم اگر این هم گران داد ببرد جان دیگر او بگوید من می دهم پس این ربط بطبابت ندارد بنده این قانون را لازم می دانم که بگذرد. **حاج شیخ اسدالله** - میفرمائید که خیلی لازم است چنین قانونی برای مملکت بنده هم میگویم خیلی لازم است نه فقط قانون طبابت بلکه خیلی از قوانین دیگر ولی افسوس میخورم که نمی توانم فعلاً در مملکت جاری بکنیم اما قانون طبابت یک قانونی که بتوانیم در مملکت جاری بکنیم و اسباب زحمت برای مردم و دولت فراهم نشود آنرا بنده مخالف نیستم اما آن ترتیب قانون این نیست برای اینکه در دو سه ماده این بنده خیلی اشکال می بینم و تصور نمی کنم باین مذاکراتی که اینجا می شود بتوان اصلاح کرد مثلاً یکی حکایت تحصیل اجازه برای اطبای خارج از هر کز مثل اینکه در همان ماده هم عرض کردم که تحصیل اجازه بکنند از دولت بعد از شش ماه یا یکسال آنیکسال راهم بنده پیشنهاد کرده بودم آنهم ارباب اضطرار بود که بهتر از شش ماهی دانسته و لکن آنرا هم عقیده ندارم که جاری شود زیرا که اسباب زحمت می شود برای اطبای خارج از هر کز نه از برای شهرها زیرا که اطبای شهرها می توانند تحصیل اجازه نمایند اما برای اطبای فراه و قصبات خیلی شاق است و از برای آنها اینکه مبتلا هستند باین بلیه که علاج ندارند و مجبورند که همان اطبای فراه و قصبات معالجه آنها را بکنند و دیگر در خصوص امتحان این اطبایی که در مرکز باید امتحان بدهند یک فرمایشی شاهزاده فرمودند ولی التفاتی نفرمودند در جوابش و جوابی ندادند تا بحال اکثر اطبای مملکت ایران موافق قانون طبای ایران چه تحصیل میکنند چه عمل میکنند آن معمول و متداول بوده است حالا ترتیب امتحان در این قانون می نویسد که اطبای فرنگی باید حاضر بشوند و این اطبای ایرانی را امتحان بکنند بله دولت بعد از آنکه یک علم طب را بسنیده از برای بعد از این خوبست که اطباء بآن ترتیب مشغول تحصیل شوند به ترتیب طب جدید و دیگر آنوقت طب ایرانی مسکوت عنه باشد و آنرا تحصیل نکنند و آنرا بنده عرض

لازم الاجرائی میدانم و خیلی هم دایره اش را وسیع میدانم و عقیده بنده این بود که باید محدودتر از این باشد که نتوانند اینقدر اشخاص بی اطلاع بعنوان این که تجربه کرده اند طیب باشند و این که آقایان فرمودند تجربه حاصل کرده اند و معالجه میکنند این تجربه نیست بنده یک دوائی یا مرتبه داده باشم یا مرخص کرده باشم، خوب شده باشد تجربه یک اساسی دارد یک عده معتناهایی باید که علماً تجربه بر ایشان حاصل شود یا از اشخاص مختلفه یا از روی اساس علمی باشد بجز این که یک کسی دوائی بکسی دادخوشد یا مرد این تجربه علمی نخواهد بود و گمان ندارم که بتواند این اساس علم طب باشد یا این که یک نفر شخص نادان بتواند اساس عمل خودش قرار بدهد و مردم را بمرحمت بیندازد و عقیده بنده این است که این قانون خیلی لازم است و رأی بگیرم.

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند (اظهار داشتند کافی است) رأی میگیریم بکلیه این قانون که دارای ۱۳ ماده است و تمام موادش با کثرت قبول شده است آقایانیکه چنین قانون را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند) با کثرت ۴۴ رأی تصویب شد طرح قانونی راجع برتبه نظامی اول در کلیاتش مذاکره میشود بعد از تنفی در موادش مذاکره در کلیات است در کلیات مخالفی هست ؟

حاج شیخ الرئیس - بنده سئوالی داشتم .
رئیس - بفرمائید .

حاج شیخ الرئیس - بنده در تحدید رتبه های نظامی و کیفیت ترفیع آنها حاضره که قبول بکنم ولی میخواهم بدانم که این لایحه است که از طرف وزارت جنگ بمجلس مقدس تقدیم شده است یا فقط ما از روی طرح یک نماینده محترمی باید مذاکره بکنیم .

رئیس - عرض کردم طرح قانونی است .
حاج شیخ الرئیس - پس بنده صلاح در این می بینم که اول وزارت جنگ نظرات خودش را بکند بعد مطرح مذاکره شود .

معاون وزارت جنگ - بنده برای همین مطلب شرفیاب شده ام وزارت جنگ تقاضا می کند که اول این لایحه را بوزارت جنگ بفرستند تا نظریات خودش را در شورای ارکان حرب بکنند آنوقت بمجلس مقدس تقدیم دارند که مطرح مذاکره شود .

رئیس - حالا یک مسئله هست که شور اول است تقاضای فوریت هم نشده است میان شور اول و دوم هم پنج روز فاصله دارد ممکن است که مشاور اول اینرا بکنیم و داخل مذاکرات شویم و قبل از شور دوم بوزارت جنگ بفرستیم .

معاون وزارت جنگ - پس در موقع رأی گرفتن باید مدافعه کرد .
مشرفی - اگر چه صحیح است که این شور اول است و در شور دوم رأی گرفته خواهد شد ولی بعضی شاید بعضی چیزها که مباحثه میشود ننوش کنند آنوقت ما احتیاج داشته باشیم پس خوب است اول به وزارتخانه برود بعد بیاید .

رئیس - تفاوت نمیکند بکنده که برود بکمیسیون بمدیاید و لو اینکه در وزارت خانه چند ماده بآن اضافه بکنند دیگر مجبور نیستیم در آنوادیکه اضافه کرده اند در شور بکنیم و در شور دوم همان موادیکه الحاق و مذاکره میشود هم شور اول آنجوسوب می شود هم شور دومش و اگر بنا بود که هر دفعه یک لایحه پیشنهاد شود بر گرد بکمیسیون و موادی باو الحاق بشود و در شور نیست رأی میگیریم در اینکه داخل در شور مواد شویم آقایانی که تصویب میکنند که داخل در شور مواد شویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با کثرت ۴۲ رأی تصویب شد .

(مذاکره بعد از تنفی)
رئیس بعد از تنفی یک ساعت و نیم قبل از غروب بجای خود جلوس نموده و پس از یک ربع بمجلس رسماً تشکیل شد .

رئیس - لازم نیست یک مطلبی را بنده اینجا توضیح بدهم تا خاطر آقایان مسبوق باشد آقای عزالملک که اینجا اجازه خواسته بودند راجع بنیت بود غیر ایشان هم در جلسه گذشته با اجازه بود ولی بنده چنانچه چندین دفعه اینجا عرض کردم موافق ماده (۱۳) نظامنامه داخلی که اعتراضاتیکه راجع به غیبت است در مجلس نباید اظهار بشود باید بهیئت رئیسه اظهار بدارند و هیئت رئیسه بعد از آنکه عقیده کمیسیون عرایش و مرخصی را تحصیل کرده مطابق آن درباره او حکم میکنند این بود که موافق ماده ماده نظامنامه که آقایان نمایندگان رعایت آنرا بنده محول کرده اند اجازه ندادم ولی اینجا بازم عرض میکنم که غیبت ایشان با اجازه بوده است بی اجازه غالب نبوده اند کلفدی رسیده است از وزارت مالبه قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی .
چنانکه درمراسله جدا گانه عرض شده است این بنده آقای معاضد الملک نماینده محترم کرمانشاهان را بسمت معاونت پارلمانی وزارت مالبه انتخاب نموده و چون بواسطه کسالت فوق العاده از حضور در مجلس شورای ملی برای معرفی مشارالیه معذور است و معرفی ایشان برای شروع بکار فوریت دارد متنی است از طرف بنده بوجه این معروضه مشارالیه را بسمت معاونت پارلمانی وزارت مالبه معرفی فرمائید امضای وزیر مالبه (محمد ابراهیم الفخاری)

رئیس - در این موقع بنده نمی دانم با آقای معاضد الملک تبریک بگویم و اظهار مسرت بکنم یا اینکه از طرف هیئت رئیسه اظهار تأسف بکنم برای بودند برای هیئت رئیسه و فقدان ایشان یک تأسف بزرگی است برای هیئت رئیسه و میدانم که خودشان هم هیچ مایل باینکار نبودند و خیلی اصرار از طرف وزیر مالبه میشده است و از اینجهت که خدمات ملی را در آنجا بیشتر می توانند بکنند این بود که قبول کردند و همیشه حاضر بوده اند که بهیئت رئیسه کمک بکنند و هیئت رئیسه هم از زبان بنده اظهار تأسف می کنند از رفتن ایشان و از اینکه کمک بزرگی بودند این بود که فقدان ایشان برای ما تأسف زیادی دارد .

معاضد الملک معاون وزارت مالبه - از حسن ظن حضرت رئیس نهایت تشکر را دارم و بطوریکه فرمودند خود بنده هم نهایت تأسف را داشتم از تخلیه صندلی و کالت ولی نظر بامرار وزیر مالبه و از آنجائیکه خدمت ملت ودوت هر دو را امروز یکی می دانستم و تصور میکردم که شاید بتوانم در وزارت مالبه هم خدمانی که کمتر از مقام و کالت نباشد بملت و دولت گرد، باشم از اینجهت این خدمت را قبول کردم و امیدوارم که با مسامحت نمایندگان محترم موفق بانجام این وظیفه مهم بشود و در خانه لازم است عرض بکنم که در چندین قبل از طرف وزارت مالبه لایحه انقای مالبات نمک یعنی توقیف قانون انحصار نمک بمجلس تقدیم شد و فوریت آنهم از مجلس گذشت رجوع شد بکمیسیون قوانین مالبه و راهپورت آن از کمیسیون قوانین مالبه برگشته است و چون این مسئله خیلی اهمیت دارد لهذا وزارت مالبه تقاضا میکند که همین امروز جزء دستور بشود و از مجلس بگذرد که تکلیف مأمورین در این باب معلوم شود. (از طرف اغلب نمایندگان اظهار موافقت شد)

رئیس - باید رأی بگیریم که جزء دستور امروز شود یا نه رأی میگیریم پیشنهاد معاون وزارت مالبه که در چندین قبل از طرف وزارت مالبه راجع باملا مالبات نمک پیشنهاد شده بود جزء دستور امروز بود آقایانی که باین تقاضا موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند با کثرت تصویب شد)

این لایحه فوریتش سابق از طرف مجلس تصویب شد و راهپورت کمیسیون هم امروز آتیع و توزیع شده است چون با استثنای موارد فوری باید راهپورت کمیسیون لا اقل ۲۴ ساعت قبل توزیع شود این بود که لازم میدانم عرض کنم که فوریت این تقاضا شده و تصویب هم شده است این عرض را هم باید بکنم که چون ماده واحده است یک رأی دارد دیگر مذاکره و رأی در کلیات ندارد .

لایحه وزارت مالبه راجع بتوقیف مالبات نمک در چند جلسه کمیسیون قوانین مالبه با حضور وزیر مالبه مذاکره گردید نظر بلاخطانی که در لایحه وزارت مالبه تشریح شده و دقایق دیگر که کاملاً در کمیسیون منعوض شده با کثرت آراء عین ماده واحده ذیل پیشنهاد وزارت مالبه را تصویب مینمایند ماده واحده بمجلس شورای ملی توقیف قانون مورخه سوم ربیع الاول ۱۳۲۸ نمک را تصویب مینمایند

محمد بهاشتم میرزا - عرض میکنم قانون نمک که از مجلس گذشت دارای مواد زیادی بود که عده اش انحصار نمک بود و راجع بمعادنی هم که سابق در تصرف دولت بود آنرا هم شامل بود حالا سؤال می کنم که آنمعدن نمکی که سابق سرگذشتن این قانون در تصرف دولت بود چه خواهد شد این سؤال را خوب است آقای مخیر جواب بفرمایند بنده بدانم چه عرض بکنم .

معاون وزارت مالبه - فقط این لایحه که پیشنهاد شده است یک ماده راجع بقانون انحصار است یعنی شامل آن ماده است که از آن بیعد شامل بود و آن معاملاتی را که در سابق از طرف دولت

در باب نمک مجری بوده است آن معاملات بجای خود باقی است فقط این ماده توقیف میکند این قانونی را که جدیداً از طرف مجلس وضع شده .

حاج شیخعلی شیرازی - بعضی عرایض است که بنده مجبورم بر حسب وظیفه که بر عهده دارم در این فضای اطلاق عرض کنم که باقی ماند در اولی که این قانون وضع شده بنده مخالف بودم که امروز صلاح مملکت نیست که چنین قانونی وضع شود اما امروز راهم باین ماده طرحی که پیشنهاد شده است بنده مخالفم بسبب اینکه آن روزی که من قبول این وظیفه را کردم هیچ بغیالی اینک کسی از من خوشش بیاید یا بدش بیاید نبود آنچه عقیده من در حال مملکت باشد عرض خواهم کرد ولو اینکه همه مردم و همان موکلین من بگویند بد است این مملکت باید اصلاح شود و یا بد اثره تجدید بگذارد تجدید خرج دارد این خرج از کجا باید داده شود مالبات نمک نباشد مالبات نوافل هم نباشد دخانیات هم نباشد مالبات مستغلات هم نباشد که پیش نمی رود پس از کجا ما خرج کنیم ترفقه تلگراف هم که بمجلس می آید کامری است تجارنی آقایان پیشنهاد میکنند که صد دینار که یک قدری هم از ملت بیچاره بگیریم و بالای بودجه تلگراف بگذاریم بنده آن آقایانی که خنف مالبات نمک را تقاضا کرده اند چه از هیئت وزراء و چه از وکلانی که امروز رأی میدهند این اشکال مرا رفع بکنند و بفرمایند که ما از کجا این مملکت را اصلاح بکنیم تا بنده اینرا تصویب بکنم ما کسر بودجه آنوقت خواهیم داشت بجز کسر اصل را قرض کردیم بعد چه خواهیم کرد یک محل دیگر در مقابل پیدا بکنند آنوقت بگویند این موقوف باشد بعضی نظر بر این دارند که این تحمیل برضما شده است بنده ثابت میکنم که بضمناً تحمیلی نشده است بجهت اینکه هر شخصی در مال یا کسب نمک بمصرف میرساند بکس نمک را همیشه چهارشاهی می خریدند حالا چهارده شاهی میدهد ده شاهی فرق کرده است آنوقت مالبات نمک تحمیل خواهد شد بانها که خیلی مصرف میکنند اگر صنف دباغ است که بکس چهار عیسی است و اگر اشخاصی هستند که طبخ خانه زیادی دارند که روزی یک من دومن نمک مصرف میکنند بنده چه ضرر بجائی خواهد رسید اگر مت میخواهم مملکت او مشروطه بشود و یا بد اثره تمدن بگذارد و امور آنها اصلاح شود باید بدانند که مالبات باید بدهند باین حرفها که بنده بیایم اینجا حرفی بزنم که چهار نفر خوششان بیاید که بگویم مالبات نمک نباشد بنده این عقیده را ندارم که هیچکس هم نداند در سالی که یک نفر دو عیسی بدهد بجهت اصلاح مملکت این چه ضرر وارد خواهد آورد باو در حقوق ملی هم تمام ملت مشارکت دارند دروجهی هم که باید برای اصلاح مملکت بدهند شریک باشند ما اگر مالبات نوافل وضع کنیم همین وضع خواهد بود اگر مالبات مستغلات وضع بکنیم باز آنوقت کسبه فریاد خواهند کرد که ما رنجبریم مالکین از ما میگیرند هر مالباتی که وضع میشود در اجرائش تا ترتیب نداشته باشد بر ضعفا تحمیل خواهد شد مگر اینکه ترتیب صحیحی در مالبات داده شود آقایانی که می خواهند توقیف کنند

رئیس - نماینده محترم در ضمن نطق خودشان یک لفظی استعمال کردند و اینطور گفتند که ما می خواهیم با بد اثره تمدن بگذاریم گویا نماینده محترم مقصودشان از لفظ تمدن تجدید ترقی مملکت بوده است والا مملکت قرنها است که با بد اثره تمدن گذاشته است .

حاج شیخعلی خراسانی - بله اشتباه کردم .

سلیمان میرزا - آقای حاج شیخعلی دلیلی که برای برقرار بودن مالبات نمک بیان کردند اولش این بود که ما برای اصلاحاتمان مخارج لازم داریم و وقتی که خرج لازم داشتیم برای اصلاحات لابد باید مردمانی که اصلاحات راجع بانها است خرج را متحمل شوند و باندازه خودشان از این مخارج بعنوان مالبات قبول کنند این بسیار خوب حرفی است اما خوب است این تحمیل مالبات همانطوریکه مردم بالنسبه از آن منتفع میشوند بالنسبه هم مخارج آنرا متحمل شوند بشارت اخری مالبات روی عایدات باشد هر کس بیشتر نمول و عیاسی دارد بیشتر از این اصلاحات فایده میرود و از این امنیت استفاده میکنند بنا بر این او بیشتر باید پول بدهد و چون درین اقسام مالبات آنچه متصفان و عادلانه تر از همه است آن مالبات است که بر روی عایدات گذارده شود و بالنسبه هر که بیشتر در این مملکت مستغلات و دارائی دارد بیشتر باید مخارج اصلاحات را بدهد زیرا دولت برای آنها بیشتر خرج میکند بنابراین تمامی مالباتیکه بطور غیر مستقیم وضع میشود و بر فقرا و ضعفا تحمیل خواهد شد آنها خوب نخواهند بود زیرا بر اشخاص تحمیل میشود که با آن اندازه برای آنها خرج نشده که در رفاهیت و امنیت باشند برای آنها کمتر خرج شده آنها کمتر اتانیه و مستغلات دارند و امنیت مملکت برای آنها بالنسبه آنقدر خرج نخواهد داشت بلی ما لازم داریم که اصلاحات در مملکت بکنیم و

نمکنم و نیکویم بد است خیلی خوب است لکن نه از برای حالا آن نتیجه اش از برای بعد از این است که چندین سال بگذرد و این اطباء که طریق تحصیلشان بطریق ایرانی بوده از میان بروند و بهما ترتیب هم امتحان بدهند اما اگر اطباء این شهر مگر بعضی از اشخاصی که بخارجه رفته اند بترتیب علم طب طبابت آنها ایرانی بوده است و گل گاوزبان میدادند حالا بخواهند بیایند امتحان بدهند در پیش این دکتراهای خارجه نمیتوانند امتحان بدهند و حال آنکه ما آنها را بواسطه تجربیاتی که از آنها بدیده ایم و معالجاتی که کرده اند اطیبان داریم و آنها را قابل میدانیم و لازم است که آنها مشغول طبابت باشند بجهت اینکه آن اندازه طبیب کافی که علم طب جدید را تحصیل کرده باشند که کفایت بکنند گمان نمی کنم که داشته باشیم علاوه بر این بفرش هم که داشته باشیم آنها چند سال مشغول طبابت بوده اند و معالجه هم میکردند و طبابت آنها هم صحیح نیست و آنها هم باید مشغول طبابت باشند این ترتیب امتحانی که قرار داده شده است گمان نمی کنم آنها بتوانند امتحان بدهند بعضی از جوهریات راهم که اسمشان را بدانند اصل علمش را ندارند و تا دارای علم نباشند نمیتوانند امتحان علمی بدهند و فقط باینکه خواص بعضی ادویه جات را دانسته نمی توانند این امتحانرا بدهند اینست عرض بنده در کلیات این قانون و اجرائی این قانون در مملکت بنده مخالف هستم و نمی توانم در کلیاتش رأی بدهم برای همین محظوراتی که عرض کردم .

و اصلاحات مغارج لازم دارد و مغارج را هم محققاً باید اهالی این مملکت بدهند اما آنرا همانطور که عرض کردم خوبست بر چیزهایی منصفانه و عادلانه بکناریم از قبیل مستلقات و در وقتیکه از طرف شهبه پارلمانی بنده اینطرح را کرده بودم ب مجلس این دلیل را آنجا ذکر کرده بودم و تقاضا کرده بودم که بجای اینکه ضرری بدولت نرسد در بودجه مملکت از حذف این مالیات که تحصیل بر ضعفاست غرض اینصنف و کسر بودجه که در این راه حاصل میشود مالیات مستلقات را که اگر آقایان فراموش نکرده باشند در آن ماههای اول بمجلس آمده است و طبع و توزیع هم شده است آنرا جزء دستور بکنیم و بگذاریم تا جبران این حذف بشود و سایر مالیاتهای دیگر هم میتوان وضع کرد و مجلس نه اکثریت نه اقلیت منکر وضع مالیات نیست که آقای حاج شیخعلی فرمودند که نظر باینست که مالیات عادلانه باشد و لازم است که باز هم اینجا توضیح عرض کنم که آقای حاج شیخعلی دو سه عبارت فرمودند که شاید بنده بد ملتفت شدهام بنابر این باید رفع سوء تفاهم از خودم بکنم و آن اینست که فرمودند چیزی اظهار نخواهند فرمود که نظرشان این باشد که کسی خوشش بیاید ولو اینکه تمام مرآتین ایشان برخلاف عقیده ایشان باشند عقاید خودشان را خواهند فرمود معلوم است اول شرط یک نفر نماینده این است که در عقیده خودش آزاد باشد و هر چه وجداناً بنظرش میآید برای اصلاح امور اظهار بدارد و گمان نمیکنم که هیچکس در مطالبی که اظهار میشود و اظهار بیکه در مجلس میکند برای این باشد که کسی خوشش بیاید مسلماً هر اظهاری که میشود جماعتی را رنجیده میشوند و جماعتی خوشوقت میشوند آن اظهار بر مصالح هر جماعتی که باشد آنها خرسند خواهند بود و جلوگیری از تعدیات هر کس که بشود با لطمه رنجش پیدا خواهد کرد مالیاتهایی که ما وضع میکنیم یا قانونی را که ما میگذرانیم از مجلس در نظر یکی از دو جماعت خوش نخواهد آمد یکی کارگری یکی کارفرما پس اگر یک مالیاتی در این جا وضع کنیم و رعایت حال کارگر آنجا را بکنیم که درست و رفاهت آنها را در نظر داشته باشیم محققاً یک تضییعی بکارفرما خواهد بود و یک تحمیلی بر آنها است بنا بر این ممکن نیست که هر دو جماعت خوشوقت شوند بدیهی است کارفرما خواهد رنجید اگر رعایت کارفرما نشود مثلاً یک مالیاتی وضع کنیم که بنظر کارفرما و بصرفه آنها باشد مسلماً کارگران دلتنگ خواهند بود چون تضییعی برای آنها خواهد بود لکن جزء قانون اساسی ما است که نمایندگان در اظهار عقیده خودشان آزاد هستند و این پیشنهادی که از طرف شهبه پارلمانی فرقه هموکرات شده بود و بکمسیون رفت و تقاضا شده بود که بمجلس بیاید اتفاقاً هنوز رایسورت آن از کمسیون مبتکرات برنگشته است که به بینیم قابل توجه شده است یا خیر تا اینکه بعد از مدتها همان پیشنهاد عیناً از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شد و چون ماهیته مقصود اصلی را در نظر داریم که رفاهت عامه باشد حالا خوشوقتیم که آن مقصود ما بمجلس آمده است از طرف هر کس میخواهد پیشنهاد شود بشود اما در موضوع این مالیات که میفرماید آقای حاج شیخ علی که نصف آن بر قرار باشد

اصلاً چنانچه در مقدمه این پیشنهاد ذکر شده بود امروز به تجربه ما دیدیم که برای ما فایده چندانی ندارد اگر نصف هم بکنند مطابق نظریه آقای حاج شیخ علی خود اشخاصی که مباشر این عمل بوده اند گفتند که در صورتی که نصف شود این مالیات ما هیچ صرفی نخواهد کرد برای دولت یا اگر صرف بکنند بقدری جزئی است قابل این است که دولت یک چنین اداره تشکیل نکند برای آن نیست پس بهتر این است که بکلی حذف بکنند چنانچه گویا کمسیون قوانین مالیه هم همین نظر را داشتند و حذف کردند نتیجه که ما از این مالیات دیدیم این بود که بواسطه رفابت نمک خارجی که در سرحدات پیدا شده «چون در سرحدات این متاع را وارد میکردند و این قوانین باو تعلق نمیگرفت» و رقابت تجارتنی نمک را در سرحدات ارزاتر کرد از نمکی که دولت میخواست بفرود مثل نقاط سرحدی آذربایجان و گیلان و خراسان در این نقاط سرحدی نمکی که دولت بفرودخت خیلی کمتر بود از نمکی که از خارج وارد میشد و فروخته میشد احضابیه گمرک خوب این مطلب را مبرهن میدارد که امسال ورود نمک چقدر بیشتر از سال گذشته شده است علاوه اشکالات دیگر این قانون داشت بملاوه تحمیل بر ضعفا بقول یک نفر سیاح در مملکت ماقدر و قیمت نمک همانقدر است که بکفر خیم شود و نمک را از روی زمین بردارد چون غالب نقاط این مملکت رودخانه و دریاچه نمک و کویر نمک دارد در مملکتی که این قدر نمک موجود است تفتیش و جلوگیری از قاچاق او بی اندازه مشکل بود مجال نبود اما اگر میخواستند صحیحاً جلوگیری از قاچاق بکنند و کاملاً تفتیش نمایند باید یک چنین مالیاتی هم از مردم میگرفتند و صرف آن میکردند تا یک رودخانه که چندین فرسنگ نمک دارد و جریان دارد بتوانند جلوگیری از قاچاق او بنمایند این یک کار خیلی مشکلی بود مثلاً دریاچه ارومی را بچه قسم میتوان محافظت کرد که قاچاق نمک از آن نمایند و هرگز کسی از اطراف او نمک نبرد پس می بینیم که از برای اداره کردن این مالیات ما وسائلی که کاملاً بتوانیم از آن استفاده کنیم نداریم و بعضی شهرها که معادن نمک در آنجا نبوده است مثل اینکه وزیر مالیه مثل زدند کرمانشاهان که نمک ندارد در آنجا میتوانند نمک را خوب اداره کنند که دریاچه دریاچه ارومی و فارس دریاچه مهارلو و سایر رودخانه و دریاچه ها و در آنجا نمیتواند دولت آن معادن را بجزوبی اداره کند و قاچاقچی ها بهتر از دولت صرفه میربند پس باین ملاحظاتی می بینیم که یک مالیاتی را که وضع میکنیم مقصودمان صرفه و صلاح مملکت است چنانچه آقای حاج شیخعلی گفتند باید این مالیات صرف اصلاحات مملکت بشود و صرف تأسیسات جدید بکنیم ولی دیدیم باین ترتیب که مالیاتی ما وضع میکنیم و بر جماعتی بلکه بر عموم اهالی مملکت آن تحمیل میشود لکن قاچاقچها یا خارجی های بیشتر از آن استفاده میکنند و این مالیات صرفه و فایده اش بجال قاچاقچهای داخله است که

از هر طرف میخواهند میربند و بجال تجار خارجه که این را حمل سرحدات میکنند و دولت پس از وضع مغارج این اداره کمتر استفاده کند و از طرف دیگر که ملاحظه میکنیم وضع اینقانون برخلاف رعایت تسهیل امور راجع بحفظالصحه است بواسطه اینکه نمک برای اعصاب انسانی و حیوانی لازم است و ما وقتیکه نمک را گران و تضییق کردیم اشخاص که نمی توانند باسانی بنمک برسند و بهسرت به آن میرسند شاید اسباب کسالت و مرض از برای آنها بشود پس باین ملاحظاتی بنده و تمام شهبه پارلمانی فرقه که این پیشنهاد را کرده اند تقاضا میکنند که این مالیات را زودتر حذف کنند و اگر ممکن باشد طرح راجع بمالیات مستلقات زودتر جزء دستور شود

حاج شیخ الرئیس - دلالتی که موافقین این ماده فرمودند و خواهند فرمود بنده را الزام نمی کند که عقیده خودم را با کمال آزادی عرض نکنم و آن این است که اساساً وضع مالیات بخصوص نمک از مالیاتهای مخصوصه ممالک متدینه بلکه متدینه است همه میدانند یکی از مالیاتهایی که در هیچ مملکتی وقتی وضع شد است مایه تفر و آزار عمومی نشده است ولی بدیختانه گمان میکنم که کسانی که برضد این مالیات تقریرات میفرمایند و شاید هم تا اندازه محق باشند و نظرشان سوء استعمال این قانون مقدس است که از مجلس گذشته است مجبورم عرض کنم (چاره چه باشد بکنند نمک) والا اگر در کیفیت اجرای این قانون اینطوری سوء استعمال نمیشد بنده عرض میکردم که این محبوب بالذات همینطور بمغفوض بالغرض نمیشد حالاً هم تارائی نمایندگان و اکثریت چه باشد وجه اقتضا کند ولی فعلاً بنده باین تقریرات که بعضی از نمایندگان میفرمایند و بطوریکه مدلول این ماده است که بکلی حذف کنند بنده خیلی مغالطه حذف صحیح نیست توقیف بکنند بلکه لازم میدانم اگر رای دادند آقایان بکسباری هم بنده پیشنهاد میکنم که اضافه شود که این مالیات علی العجالة توقیف است تا دولت نظریات خودش را کاملاً در این خصوص بکنند که مانع من آیه او تنها فات بخیر منھا او متھا

حاج عزالمالک مخبر کمسیون قوانین مالیه - نظریاتی که آقایان مخالف میفرمایند در کمسیون هم گفته شد و همچوهم نبوده که بعضی از طرف دولت حذف یک مالیاتی که مجلس شورای ملی وضع کرده است پیشنهاد فروری کمسیون هم رای هم متقاعد شد و رای داد در این لایحه چندین جلسه در کمسیون قوانین مالیه باحضور وزراء و کسانی که مربوط باین عمل بودند مذاکره شد و خیلی ملاحظه کردند در این که شاید بشود باینکه تعیفی این مالیات احصار نمک را اداره کند که هم یک تضییعی نسبت بجال اهالی مردم پیدا شود و هم این قانون نسخ شده باشد بدلتی که برضد آقایان نمایندگان خواهم رسانید کمسیون را متقاعد نمودند که همراه بشود بایشان و زور دلالتی که در کمسیون اظهرا شد اولاً متناسب نبودن این مالیات بود البته وضع مالیات که میشود باید در حقیقت متناسب حال اهالی مملکت باشد و این مالیات نمک ابدأ مناسب نداشت در اغلب نقاط این مملکت شاید نمک تا خرواری بیست تومان هم رسید مثل همدان و کردستان که برای همین از دیاد

قیمت اسباب تلفات احشام ایلات شد و خود اهالی و قراهم در زحمات زیاد بودند در صورتیکه در سرحدات فروش نمک خارجه بخرواری دو تومان یا کمتر بود ملاحظه میفرمایند بیک مالیاتی که در مملکت وضع بشود که بعضی نمک را خرواری بیست تومان و بعضی خرواری ا تومان بخرند چقدر بی تناسب است و این متناسب نبودن این مالیات اسباب این بود که کمسیون متقاعد بشود در اینکه این مالیات توقیف شود دلیل دیگر ضرر تجارتی بود که از این راه حاصل شد و آن این بود که موافق ترفه گمرکی خرواری یک قران بنمک بیشتر گمرک تعلق نمیگرفت و این اسباب این میشد که مالیات نمک در نقاطی که نمک خارجه وارد میشد موضوعی نداشت حضور تصور می شود که یک شبی بایک چنین گمرک قبلی وارد شود و آن طور ارزان فروش برود و در خود مملکت یک چنین مالیات سنگین گزافی داشته باشد دیگر اینکه وضع این مالیات طور است که راجع است بچیزیکه محتاج الیه کلبه مردم است و حتی الامکان باید سعی کرد که وضع مالیات باشیانی باشد که کمتر اسباب احتیاج عمومی باشد مثل دخانیات و غیره و این خودش یک دلیل کافی است که اگر درست تفکر بکنیم گمان ندارم تصویب بکنیم بقاء این مالیات را دیگر اینکه در خصوص تخفیف این مالیات خیلی مذاکره شد در اینکه دو تومان یا یک تومان تخفیف بدهیم و آیا آن اداره بجال خودش باقی خواهد ماند یا خیر جوع شد بخارجی که در اداره نمک تا حال شده است تقریباً در عایدی صدی هشتاد مغارج نمک شده است تصور نکنید مالیاتی که در صد هشتاد مغارج اداری داشته باشد و صدی بیست عاید دولت بشود در صورت تخفیف تصور می شود که خرج و دخل آن مساوی خواهد شد این نظرات کمسیون را متقاعد کرد در اینکه توقیف این مالیات را تصویب بکنند راجع ببعادن که صحبت شد دولت یک معادنی دارد و البته دولت در فروش آنها مختار خواهد بود و هیچ مربوط باین مالیات نخواهد بود و نظریات اقل نمایندگان هم گویا موافق باشد که این مالیات توقیف بماند دلالت دیگری غیر از آنچه عرض شد بنده برای توقیف این مالیات لازم برضد نمی دانم

رئیس - اسامی اشخاصی که اجازه خواسته اند زیاد است اسامی را میخوانم در موقع خواندن اسامی هر کس مخالف است اظهار بدارد . (اسامی بعضی از آقایان خوانده شد - حاج شیخعلی خراسانی اظهار مخالفت کرد و ایشان اجازه داده شد)

حاج شیخعلی خراسانی - مجدداً عرض می کنم فرمایشی که آقای حاج عزالمالک فرمودند همچو نبود بنده در کمسیون مبتکرات که این طرح از نمایندگان پیشنهاد شده بود رفتم و در کمسیون قوانین مالیه هم بودم صورت عایدات و مغارج اداره دخل کرده بود در سه ماه مغارج برای چقدر از زمان بوده است برای یکسال یکصد و شصت هزار تومان خرج شده بود تخمیناً و این مبلغ هم که دخل آورده بود در واقع عایدی آن اینطور بوده است که در بعضی نقاط شعب این اداره از ده ماه و شش ماه و

چهارماه ایجاد شده بود و در ماه اول و دوم و چهارم هیچ دخلی نکرده است و از ماه سیم ر چهارم بیدم دخل کرده است و امسال سال ابتدائی وضع این مالیات بود بواسطه احتکار نمک در خانه ها و دکانهادولت در اول نتوانست درست اداره کند چشش این بود و الا بطوریکه باریده شده است در این مالیات اگر به همین قیمت حالیه باشد عایدی آن بچهار کمرومی رسد و اگر نصف بشود بدو کمرومی میرسد و خرج آن از صد و پنجاه هزار تومان در سال تجاوز نمیکند این یک عایدی است برای دولت و صرف میشود برای خود ملت و مالیاتی از این متناسب تراز برای ملت نیست این است که یکس کار میکند یک عباسی یا دو عباسی بدلت میدهد اینست که یک خروار مصرف میکند صد عباسی یا دوست عباسی بدولت می دهد و بیشتر آن مالیات تحمیل میشود برافغان و آقایان هیچ اشتباه نکنند که تحمیل بر ضعفا است تحمیل بر ضعفا نخواهد شد آنهایی که گاو یا چغزهای دیگر دارند و می خواهند این نمک را کار بکنند محصولات آنرا بیشتر خواهند فروخت مالیات مستلقات هم که فردا وضع می شود آنها هم فردا برنجبرن تحمیل می شود اگر می خواهند برنجبرن تحمیل میشود ادارات را منظم بکنند همین مالیات را هم که می خواهند بگیرند گرچه مستقیم است و از املاک گرفته میشود و از اغنیا گرفته میشود چون ترتیب ندارد و امیدواریم که انشاء الله ترتیب بیاید عرض کردم این مالیات را که ما توقیف میکنیم نمک ارزان نخواهد شد دو عباسی بر مت تحمیل نیست بر آن ضعیف ترین مردم تحمیل نیست یک عباسی و دو عباسی هم در سال موجب ضرر کسی نمیشود راجع بحفظالصحه هم که فرمودند نمی شود در سال یک نفر از یک من بیشتر مصرف بکند در ماکولات و مالیاتی که در من دو عباسی باشد هیچ ضرری بحفظالصحه وارد نمی آورد و این ها مصلحتی نیست که ضرر برزند و بنده پیشنهاد کردم که ۴ تومان قیمتش بشود در خروار مثل اینکه در اول هم عقیده بنده همین طور بود و اینهم که راجع بسرحدات فرمودند آن هم ملاحظه شد هیچ اداره در سرحدات تأسیس نشده است بجال طبعی اولیه اش باقی است اگر این نمک از خارج داخل میشد قدیم هم که این قانون احصار نمک نبود در سرحدات داخل میشد است اگر داخل نمیشد حالا هم داخل نمیشود نسبت بجال سرحدات فرق نکرده است فقط در یک نقطه استانتستیک از برای اینکه آقای ارباب اعتراض نکنند احصایه در آنکه ملاحظه بفرمایید یک جزئی امسال وارد شده است و الا در کجای گیلان اداره نمک هست بنده باز عرض میکنم که ملت بدانند که اگر یک عباسی و دو عباسی مالیات نمک را بدهند باید باز فرض بکنیم و عوض این دو عباسی ده تومان و بیست تومان صد تومان بدهند بنده این را عرض کردم .

رئیس - دیگر مخالفی نیست مخالفی نمی بینم مذاکرات هم گویا کافی باشد سه فقره اصلاح پیشنهاد شده است اول باید در اصلاحات رای بگیریم آقای حاج شیخعلی خراسانی پیشنهاد کرده اند که عوض شش تومان و چهار هزار چهار تومان گرفته شود - آقای ادیب التجار پیشنهاد کرده اند که کلمه

عجالتاً افزوده شود - آقای مشیر حضور پیشنهاد کرده است که در ماده اول لایحه توقیف مالیات نمک بعد از تاریخ نوشته شود برای مدت غیرمینه اول باید رای بگیریم در اصلاح آقای خراسانی که چهار تومان .

حاج عزالمالک - بنده توضیح راجع به تخفیف دارم و تعجب میکنم که آقای حاج شیخعلی متقاعد نشده اند اینکه خیال بکنیم که شش کرور یا چهار کرور عایدی دارد از روی نوشتن یک عددی در روی کاغذ نمی توان نابت نمود که این عایدی واقفاً به دولت خواهد رسید یا بنده عرض کردم که با اشخاصی که مخصوص و معروف باین کار بودند مذاکره شد بلکه کمسیون نظر مستخدمین امریکائی را هم در این کار خواست آنها هم بی نظر در این خصوص نبودند و نخواستیم بی نظر آنها یک مالیاتی را برداشته باشیم آنها هم نظری داشتند و در اینکه بیست و چهار هزار تخفیف داده شود کمسیون خیلی مذاکره کرد که آیا بنده از آن تخفیف این اداره باقی می ماند یا نمی ماند دیدیم باقی نمی ماند بملاوه یک چیزی که راجع بارزاق عمومی است و محل احتیاج عمومی است تصور بفرمایید چطور میشود آنرا آتندر گران و سخت کرد و یک قسمی هم این جا راجع بمالیات مستقیم و غیر مستقیم اظهار شد آن عجالتاً از این موضوع خارج است هر وقت در این خصوص چیزی پیشنهاد شد مذاکره میشود .

عزالمالک - اجازه بفرمایید بنده جزء کمسیون هستم .

رئیس - اشما جزء کمسیون نیستید .

عزالمالک - هستم امروز انتخاب شدم

رئیس - انتخاب شما هنوز اعلان نشده است

دکتر حاج رضاخان - بسک نظری که کمسیون داشته است برای برداشتن این قانون که لازم است آقای حاج شیخعلی متذکر شوند که این پیشنهاد قابل توجه خواهد شد برای اینست که مسئله انحصار در آن بوده است و انحصار فرق نمی کند که دوهزار باشد یا دوتومان و البته می دانند که کلبه در ارزاق یا انحصار خیلی باید مذاکره شود که در مجلس بگذرد و کمسیون یک نظر عمده که داشته است همان مسئله انحصار بوده است و حالا که پیشنهاد کردند چهار تومان باشد گمان میکنم اگر پیشنهاد کنند دوقران باشد همین نقطه نظر قابل توجه نشود مخالف قانون اساسی هم نیست

رئیس - حالا رای میگیریم در پیشنهاد آقای حاج شیخعلی که پیشنهاد کرده اند .

عوض شش تومان چهار هزار و چهار تومان گرفته شود آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند - (قابل توجه نشد) - حالا رای میگیریم در اصلاح آقای ادیب التجار که پیشنهاد کرده اند فقط عجالتاً نوشته شود

معاون وزارت مالیه - لفظ عجالتاً در اینجا هیچ متناسبی ندارد زیرا مجلس همه وقت میتواند یک طرح قانونی پیشنهاد کند و وزراء می توانند هر وقت صلاح میدانند قانونی را پیشنهاد کنند دیگر لفظ عجاله در اینجا معنی ندارد .

ادیب التجار - مختصراً عرض می کنم این حرکات و اقدامات که ظاهر شد و کسب دقت

نمایندگان را نسبت بر مردم کرد دیگر توقیف این مسئله نمک از باب سوء رفتار با مأمورین است حالا عجاله بنده می خواهم با آنکه این توقیف بشود ولیکن این اول قانونی است که با حرارت نمایندگان از مجلس گذشت که برای امنیت مملکت با عقیده صافیه بجهت اعانت مملکت و تنظیم مملکت و باصلاح مملکت بود این قانون را وضع کردند و این قانون را که توقیف می کنند بنده لازم میدانم که علی العجله یا عجاله با موافقت توقیف شود .

رئیس - آقای ارباب در این اصلاح حرف دارید ؟
ارباب کیخسرو - به .
رئیس - جزء کمیسیون هستید .

ارباب کیخسرو - بله بنده هیچ معنی این لفظ را نمی فهمم مسئله مالیات نیست که بگوئیم عجاله توقیف باشد این یک انحصار است انحصار را بعد اگر دولت خواست یک مالباتی را پیشنهاد می کند هیچکس دست دولت را نه بسته است و بنده نمی دانم در چیزی که راجع بتخفیف است نسبت بمال رعایای بیچاره و تاحال هیچ تخفیفی بآنها نداده است چرا حالا باید تردید نکنیم و این همه اشکال تراشی نکنیم جای هیچ اشکال نیست و بعقیده بنده رأی بگیریم .

رئیس - رأی می گیریم در اصلاح ادبالتجار کلفظ عجاله زیاد شود . آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند (قابل توجه نشد) رأی میگیریم در اصلاح آقای مشیر حضور که پیشنهاد کرده اند که برای مدت غیر معین نوشته شود .

حاج عز الممالک - این هم مثل لفظ عجاله است بنده هیچ معنی مدت غیر معین را نمی فهمم و این با مسئله حتمی است هر وقت وزراء یا مجلس بخواهند وضع قانونی بکنند خواهند کرد دیگر این که اینجا قید بکنیم برای مدت غیر معین معنی ندارد در اینجا مجلس رأی میدهد که انحصار توقیف باشد .

مشیر حضور - اگر ضروری است اینکه مشیر می فرمایند باید بنویسند ابقای انحصار نمک نه این که بنویسند توقیف نه وقتی که توقیف میکنند توقیف مدت میخواهد بنویسند برای مدت غیر معین چنانچه حضرت والا شاعرانده سلیمان میرزا فرمودند وقتی که مالیات مستغلات از مجلس گذشت این نسخ می شود والا تا آن نگذشته است باید این نسخ نشود و توقیف باشد .

رئیس - رأی می گیریم باصلاح آقای مشیر حضور که توقیف در مدت غیر معین باشد آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند - قیام نمایند - (قابل توجه نشد) . اصلاحی است آقای کردستانی پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (بعبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم اینطور نوشته میشود مجلس شورای ملی قانون مورخه ۳ ربیع الاول ۱۳۲۸ راجع بانحصار نمک را نسخ مینماید .

معاون وزارت مالیه - از طرف هیئت وزراء مخالفتی باین پیشنهاد نخواهد بود .
اسدالله خان کردستانی - چون وزراء پیشنهاد کرده بودند که توقیف شود و قانونی که

توقیف شد مثل این است که اگر دفعه دیگر بخواهند بمجلس بیاید باید بهمان ترتیبی که سابق بوده است پیشنهاد شود در صورتی که ممکن است اگر ۲۰ سال بعد محتاج بوضع یک چنین قانونی شدند ترتیبات دیگری پیشنهاد کنند پس اگر در واقع میخواهند این قانون را نسخ کنند نباید توقیف بنویسند باید نسخ بنویسند .

رئیس - آقای مغربچه میفرمائید کمیسیون قبول می کند این اصلاح را یا خیر ؟
حاج عز الممالک - کمیسیون می تواند این را قبول کند .

رئیس - می تواند صریح نیست قبول می کند یا خیر ؟
حاج عز الممالک - بنده قبول می کنم .
رئیس - پس حالا دیگر مخالفی نیست .
دکتر اسمعیل خان - بنده مخالفم .
رئیس - جزء کمیسیون هستید .
دکتر اسمعیل خان - خیر .

رئیس - رأی می گیریم - آقایانی که این پیشنهاد آقای کردستانی را قابل توجه میدانند قیام نمایند (قابل توجه شد) - حالا بطور مخفی باورقه رأی قضی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخت آقایانی که رد می کنند ورقه کبود خواهند انداخت .

(در این موقع اخذ اوراق رأی شده و آقای حاج میرزا رضا خان بعد ذیل اوراق را احصاء نمود)
 ورقه سفید ۶۱ - ورقه آبی ۲ - اسامی رأی دهندگان .
 آقا محمد . وحید الملک . نجات . آقا میرزا احمد فروزینی . آذشیح حسین یزدی . متین السلطنه . دکتر حاج رضاخان . محمد هاشم میرزا . هشترودی . زنجانی . منتصر السلطان . دهخوار فانی . آقا شیخ محمد خیابانی . معتد - التجار . آقا شیخ علی شیرازی . مدرس فشه . حاج امام جمعه . ذکاء الملک . دکتر امیر خان - دکتر لغمان - آقا سیدجلیل - معزز الملک میرزایاس - سلیمان میرزا - صدر العلماء - علی زاده حاج سید نصرالله حاج شیخ علی - رکن الممالک - کزازی میرزا رضامستوفی - ارباب کیخسرو - سعیدالاطباء - حاج شیخ اسدالله - آقا سید حسین اردبیلی - معاضد السلطنه حاج آقا اسدالله خان کردستانی - معذل الدوله طباطبائی افتخار الواعظین آقا سید محمد رضا هدایتی - آقا میرزا داودخان - مساوات - ابوالقاسم میرزا - دکتر علی خان اعتصام الملک آقا سید محمد باقر ادیب آقا میرزا قاسمخان تربیت - حاج عز الممالک مشیر حضور - فرزانه - نجم آبادی عز الملک ضیاء الممالک لواء الدوله - آقا شیخ غلامحسین دکتر اسمعیل خان - حاج میرزا رضاخان - آقا میرزا - ابراهیم خان .

رد کنندگان - ادبالتجار - انتظام الحکماء .
رئیس - با اکثریت ۶۱ رأی از ۷۳ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد شروع میشود بشور اول در مواد قانون ترفیع رتبه نظامی ماده اول خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۱ - رتبه های نظامی فئون برای ایران برای صاحب منصبان ششبروند منحصراً ۹۹ درجه و مطابق ترتیب ذیل است (۱) نایب دوم (۲) نایب اول (۳) سلطان (۴) باور (۵) نایب اسرهنک (۶) سرهنک (۷) سرتیب (۸) میرینج (۹) امیر تومان .
رئیس - در این ماده مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) مخالفی نیست ماده ۲ قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .
ماده ۳ - رتبه های نظامی فئون برای ایران برای تأمین مطابق تفصیل ذیل است .
 ۱ - سرباز درجه اول (۲) ده باشی (۳) وکیل (۴) وکیل باشی .
رئیس - در این ماده مخالفی هست ؟
حاج شیخ الرئیس - یک توضیح میخواستم از مغرب بخواهم .
رئیس - بفرمائید .
حاج شیخ الرئیس - چون در این قانون تصریح شده است که رتبه های نظامی فئون برای ایران بنده فقط میخواستم بدانم که در باب فئون بحری که البته بعد از این خواهیم داشت آیا همین قانون مجری است یا یک ترتیب دیگری خواهد داشت این را میخواستم توضیح بکنند .
لواء الدوله امیرمخبر کمیسیون نظام - عرض کنم که این لایحه یک طرح قانونی است که از طرف آقای معزز الملک آقای معتدالتجار در چند ماه قبل پیشنهاد کردند و بکمیسیون نظام رجوع شد و راجع است بششون پری ایران در باب فئون بحری آن یک ترتیب دیگری دارد که هر وقت که موافقت شد از طرف هر وزیری که پیشنهاد شود ترتیب آن تعیین میشود .
رئیس - دیگر مخالفی هست (اظهاری نشد) ماده ۴ خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .
ماده ۳ - مطابق اصل ۴۷ قانون اساسی اعطاء رتبه های صاحب منصب ششبروند با تصویب وزیر مسئول از حقوق مختصه سلطنتی بوده کس دیگر در مملکت دارای این حق نیست .
رئیس - مخالفی هست؟ (اظهاری نشد) مخالفی نیست ماده ۴ خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)
ماده ۴ - اعطاء رتبه های که برای تأمین معین شده است از حقوق فرمانده فوج و مأموران او بوده فرمانده (گروهان) (اسکادرون) (تابتی) بتوسط روسا مستقیم خود در صورت نداشتن روساء مستقیم شخصاً کسانی را که لایق ترفیع رتبه میدانند در حدود مقرر قانون بآنان معرفی میکنند .
ارباب کیخسرو - البته اگر بنده اعتراض بکنم که این الفاظ خوب بود بفارسی نوشته شود خواهد جواب داد که فارسی ندارد در صورتیکه بالاخره باید اینها یک لفظ فارسی داشته باشد علاوه بر این خوب بود که عهده اینها را که معین می کردند یعنی آنها را هم در یکجای از این قانون توضیح نمایند که لامحاله که نمایندگان که میخواهند رأی بدهند از تمام خصوصیات آن اطلاع داشته باشند .
لواء الدوله - عرض کنم که سابق بر این اگر بگوئیم در ایران برای نظام قانونی نبود شاید اینطور نباشد یک قانونی بود منتهی فرقی که داشت

این بود که دولت هر وقت مقتضی میدید یک رتبه را تأسیس می کرد و آن را یکی از مراتب نظامی قرار میداد مثل اینکه در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه میرینجی بود امیر تومانی بود امیر یونانی بود سرداری هم بود که فوق اینها بودیم کم کم که اینها تعلیل رفت و در این اواخر رتبه سرتیب اولی را میرینجی می گفتند ولی در فرمان نمی نوشتند و چون این قانون نبود که مدون شده باشد و قانونیت نداشت این بود که این طرح از طرف بعضی از نمایندگان پیشنهاد شد که از مجلس بگذرد که یک قانون مدونی بشود و باین درجیات هم ملاحظه می فرمایند که ۹۹ درجه قرار داد شده است اگر چه سابق بر این بیشتر از اینها بود یعنی ۱۴ درجه بود و آن درجیات هم بطوری که نوشته شده است (رئیس - این از موضوع خارج است)

لواء الدوله - چون درجیات را خواستند از اینجهت میخواهم عرض بکنم .
رئیس - درجیات را خواستند الفاظ خارج از قبیل اسکادرون را گفته اند که بفارسی نوشته شود بعد از این قانون از قوانین خارجیه دست بود و بجز دسته هیچ چیز دیگری نبود که استعمال بشود و حالا این قانون از قوانین خارجیه اقتباس شده معمول شده است باید بهمان لغات نوشته شود و اینکه میفرمائید بفارسی گفته شود (باتری) یکدسته صد نفر است در سواره (گروهان) یکدسته صد نفره سواره باهشتاد نفر پیاده است اینها یک لغاتی است که در خارج وضع شده است و ما تا با امروز نتوانسته ایم از برای آن یک لغتی وضع بکنیم .

ارباب کیخسرو - بنده خیلی تعجب میکنم که آقای مغرب خارج از سؤال بنده جواب فرمودند و در عده هم فرمودند که گویا اشتباه کردند به علاوه میگویند باید لفظ خارجیه در اینجا باشد بنده میدانم که این کلمه (باید) راجعه ملاحظه گفتند برای اینکه اینجا ایران است و زبان ما ایرانی است و تا آنجائی که ممکن است باید سومی بکنند که قوانین زبان خودمان نوشته شود نهایت اگر خودشان نمیدانند ممکن است از کسانی که نظامی هستند و اطلاع دارند کسب اطلاع بکنند .

رئیس - حالا در شور دوم ممکن است این اصلاحات بشود دیگر مخالفی هست (اظهاری نشد) ماده پنجم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)
ماده (۵) در موقعیکه رتبه صاحب منصبی ویا ترفیع رتبه بکسی داده میشود باید فرمان منس و مهور همایونی بآمر و امضاء وزیر جنگ صادر بشود و این فرمان در تمام مدت خدمت صاحب منصب در محل استخدام اوست و ضبط میشود .
رئیس - مخالفی هست ؟
حاج شیخ الرئیس - بنده فقط یک مناقشه لفظی دارم میخواستم عرض کنم که (منس و مهور) عبارت ناموزونی است همان (بامضاء) کفایت میکند منس و مهور غلط است .
حاج شیخ اسدالله - در اینجا مینویسد که (در محل استخدام اوست و ضبط میشود) این عبارت

را میخواستم توضیح بدهم که یعنی چه .
لواء الدوله - عرض کنم یک عبارتی آقای ارباب فرمودند و یک عبارتی هم آقای حاج شیخ اسدالله که چون تقریباً یک اندازه بنده بر میخورد لازم میدانم جواب عرض کنم چون بنده نظامی هستم حالا اگر اظهار بکنم که قریب هجده سال بنده در نظام خدمت کرده ام شاید خوش نباشد برای اینکه خودستانی است لکن بدبختانه وزراء جنگ ما یک قانونی و یک ترتیبی برای رتبهها و دسته بندیهای نظامی مامعین کرده اند در صورتیکه وزراء باید برای افراد فئون و دسته های نظامی رتبه هائی معین بکنند که بآن ترتیب رفتار بشود نه اینکه هر فردی از افراد نظامی باید برای این دسته بندیها یک لفظ و یک لغتی وضع بکنند که مناسب لغات ایرانی باشد بنده یکی از اشخاصی هستم که شخص آقای ارباب هر وقت که دفاع میکند از کلمات خارجیه عقربانان هستم یعنی تأیید میکنم ایشان را و هیچ رضای نیستم باین که کلمات فرانسوی یا لغات خارجیه در قانون نوشته شود .

رئیس - این اظهارات باز از موضوع مذاکره ما خارج است (جمله در محل استخدام اوست و ضبط میشود) را خواستند که توضیح بدهید .

لواء الدوله - بله همان را میخواهم عرض بکنم و اما در خصوص مطلبی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند اینجا مینویسد که وقتی که برای ترفیع رتبه یک صاحب منصبی فرمانی صادر شد آن فرمان در محل استخدام آن صاحب منصب ثبت و ضبط میشود یک دفتر هست که بهر کس که ترفیع رتبه میدهند در آنجا ثبت میشود مثلا مینویسد فلان صاحب منصب که رتبه سلطانی یا باوری داشته است از فلان تاریخ رتبه سرهنکی باو داده شد و این را برای این مینویسند که بعد از چهار پنج سال هر قدر که در قانون معین باشد اگر بخواهند باو ترفیع رتبه بدهند بان دفتر رجوع میکنند و می بینند که موقع ترفیع رتبه اورسیده است یا نرسیده است .
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید ؟
حاج شیخ اسدالله - باین اظهارات آقای مغرب متقاعد نشدم ولی عرضی هم ندارم .
رئیس - پس ماده ششم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۶) اعطاء درجات نظامی که برای تأمین تعیین شده است پس از اعلان و درج در دستور روزانه فوج رسمی خواهد شد .
رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد)
ماده هفتم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)
ماده (۷) تمام اشخاص که بسمت صاحب منصبی ششبر بندبه نظام مملکت ایران پذیرفته میشوند مجبوراً از اولین درجه نظامی که منصب نایب دومی باشد شروع کرده متدرجاً بترتیبی که معین شده است مراتب نظامی را طی میکنند ولی اشخاصی که در نظام یکی از دول متدنه مستخدم باشند و بعد از مرعات قوانین مملکتی بخواهند داخل نظام ایران شوند هر رتبه که در فئون دول مذکور دارا

باشند همان رتبه در نظام ایران بایشان داده خواهد شد
آقا شیخ محمد حسین - نوشته شده است (ولی اشخاصی که در نظام یکی از دول متدنه مستخدم باشند) از ایرانیها یا از تبعه خارجه مقصود معلوم نیست .
لواء الدوله - مقصود تبعه خارجه است فرض بفرمائید اشخاصی را شما مستخدم میکنید از دول دیگر برای نظام خودمان و رتبه سلطانی یا سرهنکی دارند در اینجا هم آنها را همین منصب باید بیدرینملا اگر در آنجا سرهنک بوده است در اینجا هم سرهنک خواهد بود ولی در سابق علاوه بر آن منصب که دارا بود رتبه افتخاری امیر تومانی هم بآنها داده میشود در این اواخر نشان و حجاب سرداری بآنها میدادند حالا اینجا نوشته شده است که آنها نباشد و فقط همان منصبی را که در خارج داشته است در اینجا هم همان را باو بدهند .
آقا شیخ محمد حسین - پس این با تبعیت ایرانی که در اینجا نوشته است منافات خواهد داشت .
رئیس - بی اجازه که نمیشود نطق کرد .
معزز الملک - در اینجا مقصود از این ماده نه آن صاحب منصبانی است که در خدمت دولت دیگری هستند بلکه مقصود این است که ممکن است یک رتبه نظامی بشوند مثلاً یک نفر ایرانی برود در فرانسه داخل فئون بشود و برسد بدرجه باوری بعد از آنجا بیاید بایران و بخواهد داخل خدمت نظامی ایران بشود حالا در آن همچو موردی اگر ما بخواهیم بترتیب این قانون عمل بکنیم باید بگوئیم که او باید از درجه دوم شروع بکنند تا اینکه متدرجاً برسد بان مقامی که در نظام فرانسه داشته بوده است این طبعیاً معلوم است که یک شخصی است بر آن شخص در صورتی که شاید بعضی شرایط آن از قبیل سن و چیزهای دیگر آن گذشته باشد باین جهت پیش بینی شد که اگر یک چنین کسی بیداشت و خواست داخل خدمت بشود با سایر شرایطی که در آن مورد باید دارا باشد همان رتبه را که در مملکت خارجه دارا بوده است در اینجا باو خواهند داد و ممکنست یک شق دیگری هم در اینجا فرض کرد که مثلا یک صاحب منصبی که در فئون خارجه صاحب منصب بوده است بیاید بایران و بعد با شرایط تغییر تابعیت بخواهد داخل نظام ایران شود آنوقت چه رتبه را باید باو واگذار کرد البته باید همان رتبه را که سابقاً در آن فئون خارجه دارا بوده است باو داد و اگر غیر از این باشد در حقیقت یک ظلمی است که در حق او شده است
رئیس - دیگر مخالفی نیست ماده ۸ قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .
ماده (۸) در طی رتبه هائی که برای تأمین تعیین شده است شرایط ماده (۷) منظور است .
رئیس - در این ماده کسی مخالف است؟ (اظهاری نشد) کسی مخالف نیست ماده نهم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .
ماده (۹) - فقط کسانی که دارای شرایط ذیل

باشند همان رتبه در نظام ایران بایشان داده خواهد شد
آقا شیخ محمد حسین - نوشته شده است (ولی اشخاصی که در نظام یکی از دول متدنه مستخدم باشند) از ایرانیها یا از تبعه خارجه مقصود معلوم نیست .
لواء الدوله - مقصود تبعه خارجه است فرض بفرمائید اشخاصی را شما مستخدم میکنید از دول دیگر برای نظام خودمان و رتبه سلطانی یا سرهنکی دارند در اینجا هم آنها را همین منصب باید بیدرینملا اگر در آنجا سرهنک بوده است در اینجا هم سرهنک خواهد بود ولی در سابق علاوه بر آن منصب که دارا بود رتبه افتخاری امیر تومانی هم بآنها داده میشود در این اواخر نشان و حجاب سرداری بآنها میدادند حالا اینجا نوشته شده است که آنها نباشد و فقط همان منصبی را که در خارج داشته است در اینجا هم همان را باو بدهند .
آقا شیخ محمد حسین - پس این با تبعیت ایرانی که در اینجا نوشته است منافات خواهد داشت .
رئیس - بی اجازه که نمیشود نطق کرد .
معزز الملک - در اینجا مقصود از این ماده نه آن صاحب منصبانی است که در خدمت دولت دیگری هستند بلکه مقصود این است که ممکن است یک رتبه نظامی بشوند مثلاً یک نفر ایرانی برود در فرانسه داخل فئون بشود و برسد بدرجه باوری بعد از آنجا بیاید بایران و بخواهد داخل خدمت نظامی ایران بشود حالا در آن همچو موردی اگر ما بخواهیم بترتیب این قانون عمل بکنیم باید بگوئیم که او باید از درجه دوم شروع بکنند تا اینکه متدرجاً برسد بان مقامی که در نظام فرانسه داشته بوده است این طبعیاً معلوم است که یک شخصی است بر آن شخص در صورتی که شاید بعضی شرایط آن از قبیل سن و چیزهای دیگر آن گذشته باشد باین جهت پیش بینی شد که اگر یک چنین کسی بیداشت و خواست داخل خدمت بشود با سایر شرایطی که در آن مورد باید دارا باشد همان رتبه را که در مملکت خارجه دارا بوده است در اینجا باو خواهند داد و ممکنست یک شق دیگری هم در اینجا فرض کرد که مثلا یک صاحب منصبی که در فئون خارجه صاحب منصب بوده است بیاید بایران و بعد با شرایط تغییر تابعیت بخواهد داخل نظام ایران شود آنوقت چه رتبه را باید باو واگذار کرد البته باید همان رتبه را که سابقاً در آن فئون خارجه دارا بوده است باو داد و اگر غیر از این باشد در حقیقت یک ظلمی است که در حق او شده است
رئیس - دیگر مخالفی نیست ماده ۸ قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .
ماده (۸) در طی رتبه هائی که برای تأمین تعیین شده است شرایط ماده (۷) منظور است .
رئیس - در این ماده کسی مخالف است؟ (اظهاری نشد) کسی مخالف نیست ماده نهم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .
ماده (۹) - فقط کسانی که دارای شرایط ذیل

باشند می‌توانند بر تبه صاحب‌منصب شمشیر بنده دولت ایران نائل شوند .
 (۱) تابعیت ایران .
 (۲) صحت مزاج و نداشتن نقصان در خلقت
 که مانع خدمت‌نظامی باشد .
 (۳) فارغ‌التحصیل شدن از مدارس نظامی و یادداشتن شهادت نامه از کمیسیون امتحان مذکور در ماده (۱۲) .
 (۴) نبودن سن کمتر از (۱۸) سال .
 (۵) محکوم نبودن باعمال و جنایاتی که سلب شرف از او کرده باشد .
رئیس - مخالفی هست ؟

حاج شیخ اسدالله - خواستم سؤال کنم که علاوه بر این شرایط که نوشته‌اند موافقی هم از برای دخول در خدمت نظامی نوشته‌اند یا خیر چون در این موادی که بنده می‌بینم چیزی نوشته نشده است و چیزهایی هم هست که باید در اینجا نوشته شود و نوشته نشده است مثل اینکه در جهاول سن را نوشته‌اند و حد اکثرش را تعیین نکرده‌اند در صورتیکه باید معین شود و از جمله چیزهایی که لازم است در اینجا نوشته شود و نوشته‌اند این است که مستخدمینی که داخل خدمت نظامی میشوند چه تا این چه صاحب‌منصب باید مبتلا بوقاوف نباشند

معزز الملک - اما در باب سن حداکثرش اگر مطالعه می‌فرمودند در یکی از مواد نوشته شده است که از آن حد نباید تجاوز بکند و در باب و اوقاف هم که هنوز قسطن و معین نشده است و فعلاً در مملکت هست در این صورت گمان می‌کنم بشود یک چنین چیزی را در قانون کتجانید

حاج سید ابراهیم - بنده گمان می‌کنم که خوب بود این ماده بعد از تعیین اصل استخدام سربازی و ترتیب اخذ آن ذکر بشود و دیگر اینکه در فقره پنجم این ماده می‌نویسد « محکوم نبودن باعمال و جنایاتی که سلب شرف از او کرده باشد » می‌خواستم عرض کنم که ما یکمیزانی و یک قانون معینی در این خصوص نداریم که مزاج سب شرف نظامی چیست و بحسب قواعد دینی هم یک چنین عنوانی در دست نیست که ما بدانیم در کتاب عملی از آن اعمال سلب شرف از شخص می‌کند و در اینصورت این حواله بر مجهول است که ما می‌گوییم محکوم نبود جنایاتی که بواسطه آن سلب شرف از او شده باشد برای اینکه هنوز در تحت قواعد علمی ما یک همچو چیزی نیست این جهت تصور می‌کنیم که ذکر این در اینجا بی نتیجه است .

معزز الملک - اما در مسئله اول که فرمودند اول ترتیب شرایط سرباز گیری میبایستی معلوم شده باشد آنگاه وقت می‌فرمودید التفت می‌کردید باینکه این قانون راجع بنا بر این نیست راجع بصاحب منصب است و در باب سرباز گیری هم ممکن است در هر مملکتی بآن نوع را صلاح بدانند یا بطرز پنجه بندی یا بطرز داوطلبی یا طور های دیگر و هر کدام از آنها یک ترتیبی دارد و در هر حال درجات آنها فرق نمیکند ولی برای رسیدن بدرجه صاحب‌منصبی یک درجه و مرتبه لازم است و اینها هم هیچکدام مربوط بهم نیستند و از این جهت است که

که در این قانون از آن باب ذکر شده است ولی طرح سرباز گیری یک بحث خیلی مفصل طولانی است که شاید هم صلاح نباشد حالا ما داخل در آن بحث بشویم و در هر صورت باید یک ترتیبی را معین کرد از برای رسیدن بمقام صاحب‌منصبی و اما در باب محکوم باعمال و جنایاتی که بواسطه آن سلب شرف از او شده باشد در اینجا خوب است نمایندگان محترم این مسئله را یک مرتبه قطع و محرز شده فرض بکنند که زندگی نظامی را بهیچ وجه نمی‌شود تطبیق کرد با زندگی غیر نظامی زندگی نظامی یک شرایط و ترتیب مخصوص دارد که آن را هیچ نمی‌شود قیاس کرد بیک زندگی دیگری بساچیز ما است که اکیداً ممنوع است و زندگی نظامی و سلب شرف نظامی را می‌کنند که در زندگی عادی بهیچ وجه ممنوع نیست و این معایرتی هم که هست مابین زندگی نظامی و زندگی غیر نظامی البته بواسطه همان چیزهایی است که از نظامی می‌خواهند و البته نظام در تمام جاها یک طبقه است که همیشه باید در انتظار محترم باشد اینک بتواند حفظ انتظام مملکت را بکنند این است که معین همیشه باید سامی باشد که حتی الامکان آن کسانی که مرتکب یک اعمالی میشوند که بواسطه آن سلب شرف از آنها میشود نگذارند داخل این طبقه محترم بشوند و باین جهت است که در اینجا قید شده است که نباید آن کسی که داخل در این خدمت می‌خواهد بشود محکوم باعمال و جنایاتی شده باشد که بواسطه آن سلب شرف از او شده باشد و این یک چیزی بود که بنده تصور نمی‌کردم یک سوء تفاهمی در آن شود و محتاج بدانجا کرده باشد بجهت اینکه این یکی از چیزهای معمولی تمام دنیا است .

حاج شیخ اسدالله - بنده چون این مطلب بنظر من خیلی مهم است تکرار می‌کنم و تقاضا می‌کنم که آقای مخبر هم بپذیرند و قبول بکنند که در این ماده زیاد بشود که نظامی باید و اوقوری نباشد و این که می‌فرمایند این یک چیزی است که تا بحال در مملکت معمول بوده است بنده هم تصدیق دارم ولی عرض می‌کنم که حالا ما می‌خواهیم یک قانونی برای نظام مملکت خودمان بنویسیم که بواسطه آن نظام مملکت ما از اشخاص کافی ناری باشند تا این که بتوانند از عهده خدمت بر بیایند و چیزی که خیلی مانع است ایشان را از اینکه مشغول خدمات خودشان باشند یکی همین شرب تریاک است و شرب سوخته و کسی که مبتلا شد باین بیه عقیده بنده این است که بهیچ امری از امور شخص خودش هم نمی‌رسد چه رسد بخدمت دولتی و خدمت نظامی و اینگونه اشخاص را باهیچ وجه نمی‌توانیم رأی بدهیم که داخل نظام مملکت ما بشوند یا اینکه ساکت باشیم که یک چنین قانونی از مجلس شورای ملی بگذرد و صرف نظر بکنیم از اینکه بنویسیم صاحب منصبان نظامی ما نباید مبتلا بکشیدن تریاک یا سوخته آن باشند و چون اگر بنده پیشنهاد بکنم میدانم که بپذیرند نمیشود از این جهت استماع می‌کنم از آقای معزز الملک کاین طرح را چون خودشان پیشنهاد کرده‌اند اضافه بکنند و در این ماده که صاحب‌منصبان بلکه تا این هم نباید مبتلا باین مرض باشند بجهت اینکه آنها هم که مبتلا باین مرض هستند ابتدا نمی‌توانند از عهده خدمت

نظامی بر بیایند و ما هم بهیچ وجه از آنها فایده نخواهیم برد .
لواء الدوله - عرض کنم که برای صاحب منصب در باب داخل شدن در مدرسه نوشته شده است که چه شرایطی را باید دارا باشد مبتلا بجهه مرض نباشد تریاک نکشد و امثال اینها و طبیعی که در آن مدرسه هست او را امتحان میکند وقتی که تصدیق کرد که او دارای آن شرایط هست آن وقت از آن دارد که وارد مدرسه بشود و از این جهت یک نفره از این ماده این است که صحت مزاج داشته باشد و اشخاصی که مبتلا بوقاوف هستند که صحت مزاج ندارند در هر صورت عقیده کمیسیون همین است که عرض کردم حالا آقای حاج شیخ اسدالله که این مسئله را می‌فرمایند خودشان پیشنهاد بکنند و قبول بشود .
رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی نیست) .
حاج سید ابراهیم - بنده با این فرمایش که آقای معزز الملک فرمودند مخالف نبودم و ایشان هم مخالف اظهار بنده چیزی فرمودند بنده عرض می‌کنم که حواله بر شیشی مجهولی کلفظش در هیچ قانونی نوشته نشده است و معلوم نیست که آن اشخاص چه چیز است صحیح نیست فرمودند که همه می‌دانند بنده اگر از همه هستم که هیچ نمی‌دانم اعمالی که ارتکاب آنها سلب شرف از نظامی می‌کند کدام است اگر لفظ جنایات تنها بود بزمی گفتیم جنایات یک چیزی است که نظامی با غیر نظامی آنها را مرتکب بشود فلان مجازات دارد ولی اعمال را هیچ نمیشود فهمید که مقصود از آن چیست مثلاً همین تریاک کش را بنده نمی‌دانم که سلب شرف می‌کند یا نمیکند بله اگر یک قانونی ماقبل از این در دست داشته بودیم که این اعمال را شرح میداد آنوقت ممکن بود که این را در اینجا بنویسیم که اگر نظامی یک کاری بکند که منافی با آن قانون باشد محکوم می‌شود و سلب شرف او شده است ولی وقتی که ما چنین قانونی نداریم قید کردن این لفظ بدون اینکه در عادات و در قواعد دینی خودمان یک میزانی را در دست داشته باشیم حواله کردن یک چیزی که هیچ کس چیزی از آن نمی‌فهمد و یک میزانی ندارد گمان نمی‌کنم که صحیح باشد .

لواء الدوله - عرض کنم بنده نمی‌توانم این پیشنهاد را قبول بکنم برای اینکه عرض کردم که قانونی برای ترتیب دخول در مدرسه نظامی نوشته شده است و الان در مجلس و در کمیسیون نظام است و در آن قانون مخصوصاً یک فصلی در این خصوص نوشته شده است .
آقا شیخ اسدالله - در فلان قانون نوشته شده است یا نشده است بنده خبر ندارم در اینجا لازم است نوشته بشود و نوشته‌اند و این را موکول کردن یک قانونی که از برای فلان مدرسه نوشته می‌شود ربطی باین قانون ندارد از این جهت بنده پیشنهاد کردم که در ضمن همین ماده این جمله زیاد بشود که صاحب منصب ما نباید مبتلا ب شرب تریاک یا سوخته باشد .
رئیس - رأی می‌گیریم باین اصلاح آقای حاج شیخ اسدالله آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت قابل توجه شد اگر مخالفی نباشد بقیه این قانون را از ماده دهم بگذاریم برای جلسه آتی (گفتند صحیح است) یک رابورتی از کمیسیون است و تلگراف رسیده است راجع بترمه مجازات تلگرافی و یک لایحه هم از وزارت امور خارجه رسیده است راجع بکشیدن اوله آهنی از اترلی برشت اگر مجلس موافق است بفرستیم بکمیسیون خارجه و کمیسیون فواید عامه رابورت هم طبع و توزیع میشود آقای معزز الملک با (۴۵) رأی آقای شیر حضور با (۲۰) رأی بصوت کمیسیون قوانین مالبه انتخاب شده‌اند - دستور جلسه آتی - قانون ترفیع مرتبه نظامی از ماده دهم - رابورت کمیسیون معارف راجع بماده ششم قانون معارف چند نفر از آقایان یعنی (۱۵) نفر تقاضا کرده‌اند که رابورت کمیسیون بودجه که جدید آمده است راجع بایوسف مجاهد جزء دستور بشود و همچنین جمعی تقاضا کرده‌اند که رابورت کمیسیون بودجه راجع بفروش نسوان جزء دستور بشود یعنی اسرائی بوده‌اند که پس گرفته‌اند و یک وجهی خواسته‌اند برای این کار در این خصوص مخالفی هست (گفتند صحیح است) - آقای افتخار الواعظین راجع بکمیسیون مبتکرات اظهاری داشتند .
افتخار الواعظین - حضرت والا آقای سلیمان میرزا درین فرمایشات در باب نسخ قانون انحصار نمک یک فرمایشی فرمودند که موافق این بود که کمیسیون مبتکرات آن لایحه که از طرف آقایان حزب دموکرات راجع به نسخ قانون نمک بمجلس پیشنهاد شده بود و بکمیسیون مبتکرات رجوع کرده بودند در دستان رابورت در خصوص آن مسامحه کرده بود اگر چه بنده میدانم که مقصود حضرت والا این نبود ولی چون موافق این مسئله بوده ناچار اقدامات کمیسیون را در این باب عرض کنم عرض میکنم وقتی کاین طرح از طرف مجلس بکمیسیون مبتکرات رجوع شده آقایان میدانند کمیسیون مبتکرات که فلسفه وجودش این است که طرحهایی که از طرف نمایندگان محترم پیشنهاد می‌شود برود بکمیسیون مبتکرات و کمیسیون مبتکرات نظرات

خودش را در آن بکنند پس از آنی که در آن کمیسیون قابل توجه شد رابورت قابل توجه بودن آن که از کمیسیون مبتکرات داده میشود بکمیسیون مربوطه بآن کار رجوع میشود و چون این یک طرحی بود که از طرف نمایندگان پیشنهاد شده بود و بکمیسیون مبتکرات رجوع شده بود لازم بود کمیسیون مبتکرات برای قابل توجه دانستن آن تحصیل بعضی اطلاعات بکند این بود که در دو جلسه از دست نفر از آقایان محترم از طرف کمیسیون دعوت شد و از رئیس اداره نمک هم دعوت شد و از وزارت مالیه هم دعوت شد که یک نفر بفرستند که اینها بیایند و در آنجا مذاکره بشود و بعد از اینکه کمیسیون از معلومات آنها کسب اطلاع کرد نظریات خودش را بکند و رابورت بدهد چند نفری از آقایان آمدند باقی تشریف نیاوردند رئیس اداره نمک هم آمد و توضیحاتی داد بجهت اینکه آن پیشنهادی را که آقایان کرده بودند که دودلیل داشتند برای حذف یکی این بود که این اداره کایتاً آنچه ماتحقق کرده‌ایم از برای دولت منافع و فوایدی نداشته است و دیگر اینکه صادرات و واردات مملکت تغییر کرده است و پس از اینکه از روی دفتر حساب در کمیسیون دقت کرده‌ایم (صحت و هشت هزار تومان) بمناز وضع مخارج اداری این اداره بدواً پول داده است که دهمزار تومان آن .
رئیس - از موضوع خارج شد بدشمار فرمودید سوء تفاهمی شده است بمخوام آن سوء تفاهم را رفع بکنم حالا دارید داخل جزئیات این مسئله میشوید و میخواهید اقدامات کمیسیون را بفرمایید .
افتخار الواعظین - چون آقای رئیس اجازه نمیدهند که بنده اقدامات مفصل کمیسیون را عرض کنم همینقدر عرض می‌کنم که کمیسیون مبتکرات در انجام وظیفه خودش کوتاهی نکرده است و در ضمن اینکه مشغول باینکه تحقیقات خودش را بکنند و رابورت بدهد که آن لایحه قطعاً قابل توجه است یا نیست پیشنهادی از طرف وزارت مالیه بجلس داد و تقاضا کرد که این لایحه هم رجوع بشود بکمیسیون قوانین مالبه و آن رابورت هم نوشته شده بود ولی بدیخته در دو جلسه که بنا بود آن رابورت خوانده بشود و رأی بدهند بجز بنده و آقای لسان الحکماء باقی اعضاء حاضر نشدند که در حضور آنها رابورت قرائت بشود و بمجلس فرستاده شود و از این جهت بنده میخواستم عرض کنم که کمیسیون مبتکرات بهیچوجه کوتاهی و تقصیری نکرده است و رابورتش حاضر بوده است ولی اعضایش حاضر نشدند که رأی گرفته شود و بمجلس تقدیم شود .
رئیس - آقای سلیمان میرزا اجازه خواسته‌اند گمان میکنم که در این باب فرمایشی دارید بگویند لازم نباشد برای اینکه خودشان در ضمن نطق خودشان فرمودند که شما چنین مقصودی را نداشته‌اید .
حاج شیخ الرئیس - در جلسات سابقه عرض کرده که کمیسیون عدلیه محتاج است یک نفر منشی که متخصص در این کار باشد و آقای آقامیرزا رضا خان را برای اینکار انتخاب کردند و از آن روز تا بحال ابداً بکمیسیون نیامده‌اند و استعفا هم نداده‌اند که دیگری بجای ایشان انتخاب بشود و باین واسطه کار انشاء کمیسیون بهیچطور معطل مانده است

و بنده هم اگر چه تا اندازه می‌توانم تحریر بکنم ولی از عهده این کار بر نمی‌آیم از اینجهت استعفا دارم که یک نفری را که متخصص در اینکار باشد و استعفا هم ندهد همین بفرمایند که فرم این اشکال بشود .
رئیس - چون ایشان که استعفا نداده‌اند و تا معلوم نشود که استعفا داده‌اند که نمی‌توانیم بجای ایشان منشی دیگری انتخاب بکنیم الان هم که حاضر نیستند تا خودشان اظهار بکنند بعد از اینکه حاضر شدند استعفا فرمودند اگر عضویت را قبول نمیکند و استعفا داده‌اند بجای ایشان انتخاب میشود .
حاج شیخ الرئیس - اگر چه استعفا رسمی همینطوریکه فرمودید نداده‌اند ولی بعد از انتخاب ایشان اظهار کردم که کارهای کمیسیون معطل است چرا تشریف نیاورید جواب دادند که من استعفا داده‌ام باین ترتیب بنده مرحب و وظیفه خودم در موقعی که جلسه کمیسیون تشکیل شده است ایشان را غایب نوشتم چون هنوز استعفا رسمی همینطور که فرمودند نداده‌اند .
رئیس - در حال تا استعفا رسمی نداده‌اند نمی‌شود بجای ایشان دیگری را انتخاب کرد این موقع را معتقد می‌باشم که عرض بکنم که آقای مرتضی قلیخان و آقایان چون کار فوری داشته‌اند بنده ده روز اجازه گرفته‌اند بنده هم اجازه دادم ولی فراموش کردم که عرض مجلس برسام و حالا برای اینکه آقایان مطلع باشند عرض کردم .
 (مجلس نسیاست از شب گذشته ختم شد) .
 حاج میرزا رضاخان
جلسه ۲۵۵
صورت مشروح روز شنبه پنجم شهر جمادی الاخری ۱۳۲۹
 مجلس سه ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای متین السلطنه نایب - رئیس افتتاح و در سه ساعت و ده دقیقه قبل از غروب رسماً منعقد گردید .
 صورت مجلس جلسه قبل قرائت شد .
 غالبین جلسه قبل - بدون اجازه - حاج وکیل الرعایا - حاج محمد کریم خان - آقامیرزا ابراهیم قمی - دهخدا - با اجازه شیبانی از وقت مقرر حاج آقا - ناصر الاسلام - آقا سید محمد باقر ادیب از وقت مقرر هریک نسیاست دکتر امیر خان - بهجت - هریک سی و پنجاه دقیقه - طباطبائی چهل دقیقه تیر السلطان پنجاه دقیقه افتخار الواعظین نجم آبادی یکساعت و پنجاه دقیقه .
نایب رئیس - آقای قمی در صورت مجلس اظهاری داشتند .
آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده پنجشنبه را با جلسه قبل مریش بودم و در صورت مجلس بنده را بدون اجازه نوشته‌اند عرض هم بمجلس عرض کرده بودم .
نایب رئیس - کراراً اظهار شده است که اینگونه مسائل راجع با اداره میاشرت است .
عز الملک - بر پروز تا بنده در مجلس بودم و میشنیدم مؤاخذه از بنده نشد معلوم میشود در موقعی بوده است که بنده در خارج مجلس بودم و در صورت مجلس باید اینطور نوشته شود که در آن واحد رئیس هم اخطار فرمودند هم اخطار بایند در

نظامی بر بیایند و ما هم بهیچ وجه از آنها فایده نخواهیم برد .
لواء الدوله - عرض کنم بنده نمی‌توانم این پیشنهاد را قبول بکنم برای اینکه عرض کردم که قانونی برای ترتیب دخول در مدرسه نظامی نوشته شده است و الان در مجلس و در کمیسیون نظام است و در آن قانون مخصوصاً یک فصلی در این خصوص نوشته شده است .
آقا شیخ اسدالله - در فلان قانون نوشته شده است یا نشده است بنده خبر ندارم در اینجا لازم است نوشته بشود و نوشته‌اند و این را موکول کردن یک قانونی که از برای فلان مدرسه نوشته می‌شود ربطی باین قانون ندارد از این جهت بنده پیشنهاد کردم که در ضمن همین ماده این جمله زیاد بشود که صاحب منصب ما نباید مبتلا ب شرب تریاک یا سوخته باشد .
رئیس - رأی می‌گیریم باین اصلاح آقای حاج شیخ اسدالله آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت قابل توجه شد اگر مخالفی نباشد بقیه این قانون را از ماده دهم بگذاریم برای جلسه آتی (گفتند صحیح است) یک رابورتی از کمیسیون است و تلگراف رسیده است راجع بترمه مجازات تلگرافی و یک لایحه هم از وزارت امور خارجه رسیده است راجع بکشیدن اوله آهنی از اترلی برشت اگر مجلس موافق است بفرستیم بکمیسیون خارجه و کمیسیون فواید عامه رابورت هم طبع و توزیع میشود آقای معزز الملک با (۴۵) رأی آقای شیر حضور با (۲۰) رأی بصوت کمیسیون قوانین مالبه انتخاب شده‌اند - دستور جلسه آتی - قانون ترفیع مرتبه نظامی از ماده دهم - رابورت کمیسیون معارف راجع بماده ششم قانون معارف چند نفر از آقایان یعنی (۱۵) نفر تقاضا کرده‌اند که رابورت کمیسیون بودجه که جدید آمده است راجع بایوسف مجاهد جزء دستور بشود و همچنین جمعی تقاضا کرده‌اند که رابورت کمیسیون بودجه راجع بفروش نسوان جزء دستور بشود یعنی اسرائی بوده‌اند که پس گرفته‌اند و یک وجهی خواسته‌اند برای این کار در این خصوص مخالفی هست (گفتند صحیح است) - آقای افتخار الواعظین راجع بکمیسیون مبتکرات اظهاری داشتند .
افتخار الواعظین - حضرت والا آقای سلیمان میرزا درین فرمایشات در باب نسخ قانون انحصار نمک یک فرمایشی فرمودند که موافق این بود که کمیسیون مبتکرات آن لایحه که از طرف آقایان حزب دموکرات راجع به نسخ قانون نمک بمجلس پیشنهاد شده بود و بکمیسیون مبتکرات رجوع کرده بودند در دستان رابورت در خصوص آن مسامحه کرده بود اگر چه بنده میدانم که مقصود حضرت والا این نبود ولی چون موافق این مسئله بوده ناچار اقدامات کمیسیون را در این باب عرض کنم عرض میکنم وقتی کاین طرح از طرف مجلس بکمیسیون مبتکرات رجوع شده آقایان میدانند کمیسیون مبتکرات که فلسفه وجودش این است که طرحهایی که از طرف نمایندگان محترم پیشنهاد می‌شود برود بکمیسیون مبتکرات و کمیسیون مبتکرات نظرات

صورتجلسه هم مؤاخذه این یکی و یکی دیگر این که نوشته اند رئیس بعد از تنفس فرمودند که مکرر فرموده اند این قبیل اعتراضات راجع به اداره مباشرت است و حال آنکه فرمودند که من مکرر گفته ام اعتراضاتی که راجع به غیبت است باید بهیشت رئیس اظهار شود و هیئت رئیسه هم بکمیسیون عرایض و مرخصی رجوع کنند که بعد حکمش بشود این فرمایش اخیر رئیس را بهجوت نشینده بودیم که فرمودند مکرر گفته ام خوب است اینها در صورتجلسه قید شود.

نایب رئیس - راجع بامور غیبت مکرر عرض شده بوجب نظامنامه باید اداره مباشرت گفته شود و بعلاوه در باب اخطار و اخطار با قید در صورتجلسه و مؤاخذه که فرمودند مره در آن واحد نبوده و متوالی بوده است و رأی که در آخر گرفته شد صحیح است وقتی بود که نتایجی از مجلس خارج شده بودید.

آقای میرزا احمد - بنده هم دیروز بعد از اخطار دومی عرایض کردم و همینطور بود که آقای عزالملک فرمودند که اینک بنده هم اعتقاد این است که اخطارات متوالی بوده است.

نایب رئیس - اینکه گفته میشود اگر در صورتجلسه ایرادی یا اعتراضی دارند بگویند مقصود آن چیزی است که در مجلس واقع میشود که باید در صورتجلسه نوشته شده باشد حال آن چیز صحیح بوده یا نه مربوط بصورت مجلس نیست. دستور امروز قانون رتبه نظامی و رابورت کمیسیون معارف راجع بآماده ششم قانون معارف - حالا شروع می کنیم بقانون ترفیع رتبه نظامی از ماده ۱۰ - ماده ۱۰ ببارتذیل قرائت شد.

ماده ۱۰ - برای رسیدن برتبههایی که برای تائین تعیین شده است شرایط ذیل لازم است.

۱ - تابعیت ایران - ۲ - خواندن خط فارسی - ۳ صحت مزاج و نداشتن نقصان در خلقت که مانع خدمات نظامی باشد.

حاج سید ابراهیم - اینجا نوشته است که برای رسیدن برتبهها یکی از شرایط صحت مزاج است اگر یک تائینی سزاوار یک رتبه شد شاید در آنوقت تب کرد آیا آن تب مانع از رسیدن برتبه است.

لواء الدوله مخبر - این برای رسیدن برتبه است که تائین باید برسد در اینجا سه شرط معین شده است برای کسیکه داخل نظام می شود یکی تابعیت ایران یکی داشتن سواد فارسی که خط فارسی را بتواند بخواند و دیگر صحت مزاج این دربدو ورودش است نه اینکه بر او ورود اگر ناخوش شد با ترفیع رتبه ندهند و بگویند که فلان مرض دارد نمی شود مشغول خدمت نظامی باشد آنجا صحت که پیدا کرده مشغول خدمت خودش خواهد شد.

معین الرعایا - بنده میخواهم عرض کنم که اگر مقصود از تائین سرباز باشد در ایران مشکل است که سرباز سواد داشته باشد.

مهرز الملک - اولاً ایرادی که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند که تب داشته باشد نمی شود گفت کسیکه تب کرده است صحت مزاج ندارد البته تصدیق خواهند فرمود که سرباز باید علیل نباشد

صحیح المزاج باید باشد و این نکته را هم که فرمودند سرباز سواد ندارد این نه برای تائین است یعنی کلیه سربازها به ممکن است سواد نداشته باشند ولی در بین آنها هم دسته های معینی است مثلاً دهباشی سربازها یا وکیل باشی آنها حتماً باید سواد دار باشند و مجبور هستند که از اشخاصی که سواد فارسی را داشته باشند انتخاب کنند از یک فوج هزار نفری آنقدر سواد دار پیدا خواهد شد برای اینکه بتوانند باین رتبهها رسید والا این کلی نیست که همه باید برسند بآن رتبه.

حاج سید ابراهیم - اینکه بنده عرض کردم چون از این عبارت همجهت مفهوم میشود که اگر کسی هم تب داشته باشد مانع است از رسیدن برتبه چون صحت مزاج نوشته است و این اعم است از اینکه تب دار یا علیل المزاج باشد و این مسلم است آدم تب دار صحت ندارد پس خوب است بنویسند علت مزاجی که مانع از خدمت نظامی باشد این عبارت را باید تغییر بدهند.

آقا میرزا یانسی - این صحت مزاج باید یک طوری نوشته شود که علت دائمی را داشته باشد این صحت مزاج را بطور مطلق نوشته است خوب است نوشته شود علت مزاج دائمی نوشته شود نه موقتی.

مهرز الملک - در کمیسیون اصلاح خواهد شد اینها.

حاج شیخ اسدالله - بنده عقیده ام این است که علاوه بر این یک شرط دیگر لازم است و آن این است که در نظام یک عملیاتی داشته که بتواند تائین در تحت نظام او باشد و در اینجا ندارد فقط بنویسد که سواد فارسی داشته باشد و صحت داشته باشد اینها چیزی نیست که در موقع حاجت عده تائینی که در تحت امر او واقع میشوند بتوانند بآنها مشق بدهد یا فرمانی بدهد وقتی که رتبه نظامی شخصی پیدا کرد مجبور است که عملیاتش بیشتر از سایرین باشد.

مهرز الملک - بنده میخواهم عرض کنم که اولاً باید فرق گذاشت بین صاحب منصب و تائین و این در جائیکه معین شده است مسلم است کسی را که اول سرباز میکنند و داخل فوج میشوند او را فوراً دهباشی نمیکنند این بدیهی است باید بعد از اینکه دو سه سال خدمت کرد بعداً اگر لایق شد چنانچه در ماده بعد ملاحظه خواهند فرمود تازه باو یک رتبه تائینی میدهند و در این صورت ملاحظه خواهند فرمود که اگر این قید در اینجا بشود زیاد است و هیچ لازم نیست.

فایب رئیس - دیگر مخالفی نیست ماده ۱۱ قرائت میشود.

ماده ۱۱ - پس از آنکه مدت خدمت مقرر در نظامی در صحت تمام میشود در وقت گرفتن اجازه نامه خروج هر گاه از تائینها کسانی باشند که مایل بترک نظامی میباشد در صورت لیاقت رتبه دهباشی گری باو داده میشود.

ارباب - اینجا که نوشته اند در صورتیکه بخواهند از رتبه نظامی خارج شوند برتبه دهباشی گری نابل خواهند شد شاید عده آنها را که بخواهند در خدمت نظامی باقی باشند و آن رتبه دهباشی گری

که برای آنها آماده باشد بقدری باشد که نتوان بدیرفت آنوقت تکلیف چیست مقصود این است دهباشی باهر کس که باین منصب میرسد باندازه عده سرباز باشد شاید عده دهباشی ها بقدری باشد که از عده سرباز تجاوز کند و همه لایق باشند که دهباشی باشند

مهرز الملک - اولاً از این قبیل کارها خیلی کم واقع میشود که یک مدتی اشخاصی در خدمت بوده باشند باز دوباره مایل باشند که در خدمت گذاری باقی باشند و بر فرض که همچو تصویری شود ممکن است که در () اصلاح بشود.

ارباب - بنده اشکالم زیادتر شد از این جواب معلوم میشود که باز مثل سابق در این فوجی که بطور عددی که در حال تجدید میخوند داخل بشوند باز صاحب مناصب انتخاری پیدا میشود آن وقت نمیدانم که حقوق با آنها داده میشود یا آنکه همان انتخاری وی حقوق است.

لواء الدوله - برای هر دولتی یعنی دول خارجی که اینهم از آنجا اقتباس شده است پنج سال یا چهار سال مدت خدمت مینویسند که به ترتیب رتبهی باید تمام افراد ملت بیابند در تحت خدمت نظامی مثلاً پنجسال خدمت بکنند بعد مدت خدمت آنها که سر آمد مرخص میشوند اینجا که بنویسد مقصودش این است که وقتی مدتی سر آمد خودش اگر مایل باشد که در خدمت باقی باشد یک رتبه که لایق باشد باو داده میشود

ارباب - جواب بنده داده نشد.

دکتر حاج رضا خان - سؤال ارباب را بنده میخواستم عرض کنم ایشان تقدم فرمودند و هیچ کدام از اینها که گفته شد جواب نبود ممکن است که معادل فوج تقاضای دهباشی گری بشود آنوقت یک فوج خواهیم داشت تمام دهباشی و اگر تمام بنا باشد که انتخاری باشد خوب است که جواب بدهند که حقوق خواهند داد یا خیر اگر حقون خواهند داد آنوقت دهباشی خواهند بود یا سرباز.

مهرز الملک - عهده نظر در اینجا فقط تشویق است برای کسانی که خدمت خود را نموده اند و باز هم بواسطه شوقیکه دارند بخدتمت نظام میمانند و البته بواسطه خدمتیکه کرده اند و تجربیاتی که در این مدت خدمت حاصل نموده اند ظلم است آنها را مساوی کرد بآنهایکه تازه در خدمت وارد شده اند این جا نظر تشویقی است که مایل بخدتمت نظامی بشوند و بمانند و رتبه دهباشی گری بآنها داده میشود حالا آقا شکل میفرمایند که اگر عهده کنبری باشند آنوقت تکلیف با آنها چیست اولاً یک کلمه هست در این جا که رفع آن اشکال را تا اندازه میکند دست و پای رئیس فوج یا رئیسیکه آنها را باید بیذرید باز میکنند این جا نوشته است بشرط لیاقت با این لفظ بشرط لیاقت میتواند آمده را که لازم است از میان آن کسانی که لیاقت این کار را دارند از اسبق های آنها یک عده را انتخاب بکنند و این منصب را بآنها بدهند و در باب حقوق آنها هم البته حقوق آن منصب را بآنها خواهند داد و در این باب بنده تصور نمیکنم که اشکالی باید کرد بعلت این که این در همه جا معمول است.

دکتر حاج رضا خان - بنده گمان نمیکنم این که مبرمائید معنی داشته باشد که دولت من باب تشویق حقوق باینها بدهد و چیزی که الان در بین است و باید از بین برود دادن پول است در غیر مقابل کار نمیتوان همیشه یک عده را نگاه بدارند که آنها انتخاراً دهباشی باشند و یک حقوق گزافی بدهند که این تشویق بشود و بنده بکلی با این رأی مخالفم.

آقا شیخ ابراهیم - این که نوشته است در وقت خروج از عهده تشویق که داخل در نظام میشود ۲ قسم است یکی تشون دائمی تحت السلاح یکی تشونیکه خارج از صف میشود و این مناصب برای آتشون دائمی است مثلاً دهباشی وکیل باشی و غیره برای اینها است که دائمی هستند و آنچه که میگویند که خارج از صف میشوند آنها را تازه میگیرند ۲ سال ۳ سال تا ۴ سال بسته بقرار داد دولت آنها باید مشق بکنند بعد از مشق کردن آنها را مرخص میکنند میروند مثل ردیف بگانه خودشان در آنوقت هر گاه بگویند که الان وقت مرخصی است و مدت خدمت من سر آمده من میل دارم در خدمت نظامی باقی باشم میتوان او را از درجه تائینی بیالا برد این میگوید بله در مقام لیاقت میتوان آنها را یک درجه بالا تر برد و اگر جا هم نداشته باشد آنها را باید مجبوراً دهباشی کرد مثل آتشون دائمی که مینوانست دهباشی شود این شخص هم همین که طالب شد در خدمت نظامی بماند میتوان او را ترفیع رتبه داد و دهباشی کرد این هم صحیح است و هم خیلی خوب است.

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست ماده ۱۲ قرائت میشود.

(ماده مزبور ببارتذیل قرائت شد)

ماده ۱۲ - سواى کسانی که از مدارس نظامی فارغ التحصیل شده اند و مستقیماً پس از اتمام مدرسه داخل خدمت نظام میشوند هر کس که داوطلب خدمت نظامی شد میتواند صاحب منصب شمشیر بند باشد باید پس از مراعات شرایط مقرر کمیسیون امتحانیکه بر حسب امر وزارت جنگ سالی ۲ مرتبه در مرکز اردوها تشکیل میشود موافق پروگرام مخصوص وزارت جنگ او را امتحان نموده شهادت نامه بدهد بدون این شهادت نامه فرمان همایون صادر نخواهد شد مگر در موقع جنگ که در ادای خدماتشان ممکن است بدون امتحان با اولین رتبه صاحب منصبی کسی نائل گردد.

حاج سید ابراهیم - این ماده عبارت هائش خوب نوشته نشده است نوشته است پس از اتمام مدرسه و همچنین او را امتحان نموده شهادت نامه بدهد شهادت نامه باو میدهند او شهادت نامه بکسی نمیدهد و دیگر این عبارت هائش به عقیده من این شکل باشد صحیح نیست یک قدری مرتب باشد بهتر است

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست (نمود)

ماده ۱۳ قرائت میشود.

ماده ۱۳ - کسانی که از مدارس نظامی فارغ التحصیل شده اند پس از دادن امتحان در محضر مذکور در ماده (۱۲) و پذیرفته شد به نظام پیش از رسیدن برتبه نایب دومی باید شش ماه با

رتبه و کلبی در یکی از دستجات قشونی خدمت بکنند

نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (مخالفی نبود) (ماده ۱۴ ببارتذیل قرائت شد).

ماده ۱۴ - هر گاه کسانی که در نظام دارای یکی از رتبههای تائینی بوده اند داوطلب رتبه نایب دومی باشند باید از کمیسیون امتحان تصدیق نامه حاصل نمایند ولی از ششماه خدمت که در ماده ۱۳ مقرر است معاف خواهند بود.

نایب رئیس - در این ماده مخالفی نیست؟ (مخالفی نبود).

ماده ۱۵ قرائت میشود:

ماده ۱۵ - ترفیع رتبه از درجه نایب دومی تا درجه سرهنگی بر حسب قدمت خدمت و پیدا شدن شغل با شرایط مقرر در قانونی پس از هر چهار سال خدمت است بصاحب منصبهایی که از مدارس نظامی فارغ التحصیل شده اند با رعایت شرایط مذکور پس از سه سال ترفیع رتبه داده خواهد شد.

مهرز الملک - در این ماده تقریباً اشتباه قلمی شده است اینجا نوشته شده است ترفیع رتبه از درجه نایب دومی تا درجه سرهنگی بر حسب قدمت خدمت است و پیدا شدن شغل این کلمه غلط است باید نوشته شود ترفیع رتبه از درجه نایب دومی تا درجه سرهنگی با شرایط قانونی پس از چهار سال خدمت است البته قانوناً مستلزم تغییر شغل هست و در آن صورت ترفیع رتبه مستلزم قدمت خدمت است پس از چهار سال.

لواء الدوله - این نظر را کمیسیون قبول دارد.

آقا شیخ ابراهیم - ترفیع رتبه از نایب دومی تا درجه سرهنگی معنی او این است در هر درجه که چهار سال خدمت کند تا ترفیع رتبه حاصل شود هر گاه دونفر بیابند در خدمت و هر دو هم چهار سال خدمت کرده اند یا مقام خالی نیست یا اینکه قبل از آنوقت مقام خالی شده و حاجت شده است بترفیع رتبه قبل از آنی که چهار سال خدمت کرده است یادونفر سه نفر چهار نفر این مقام را دارند که خدمت را تمام کرده اند و میآورند در این صورت نتیجه خواهد شد یکی این و یکی دیگر اینکه نوشته شده است کسانی که از مدرسه نظامی فارغ التحصیل خارج شده اند یعنی دائماً کار اینها اینست که یعنی در هر درجه فارغ التحصیل شده است این را هر دفعه رفتار میکنند یا اینکه چون یکوقت فارغ التحصیل بوده است این عمل میشود این است مراد یا اینکه چیز دیگری است اینکه صحیح نیست مثلاً فارغ التحصیل شد نایب دوم شد و آنوقت که بخواهد یاور شود سه سال خدمت بکنند و بعد بخواهد سرهنگ بشود سه سال خدمت بکنند باز سه سال از سرهنگی به سرتیپی اینک صحیح نیست باید یکوقت و یکدفعه باشد اینرا توضیح بدهند.

مهرز الملک - اولاً این مسئله را که فرمودند برای کسانی که از مدرسه خارج می شوند یعنی فارغ التحصیل می شوند بله در هر سه سال خدمت باو ترفیع رتبه می دهند یکسال بآنها تخفیف داده میشود و این از اولین درجه نظامی تا رتبه سرهنگی یکی هم اینکه برای تشویق مردم بتحصیل و تشویق اشخاصی که فارغ التحصیل از مدرسه خارج میشوند به آنها

یک حق تقدیمی داده میشود چنانچه در ماده دیگر یک حق تقدیمی هست اینکه یک جواب آقا مسئله اولی هم که فرمودند اگر رجوع میکردند به ماده ۲۶ در آنجا تقریباً باندازه این مسئله حل شده است که جای هیچ اشکال نیست از درجه نایب دومی که اولین درجه ترفیع رتبه نظامی است تا درجه سرهنگی چهار سال بچهار سال ترفیع رتبه داده میشود اعم از اینکه یک شغلی باشد یا نباشد چرا اینطور قرار داده شده است برای اینکه در نظام عمل نمیتوان بعضی را مستلزم یک شغلی کرد این غیر ممکن خواهد بود حالا با آن کلمه که بنده اینجا اضافه کردم که از درجه نایب دومی تا سرهنگی با شرایط قانونی این راهم در نظر باید گرفت که در اینصورت ترفیع رتبه مستلزم تغییر شغل است یعنی ترفیع رتبه او مثل این است که یک نایب دوم چهار سال خدمت کرد حالا باید ترفیع رتبه حاصل کند چون ترفیع رتبه او مستلزم هیچ تغییر شغلی نیست دیگر هیچ جهت ندارد که پس از آنکه تائینی دوم را داشته است نایب اول را باو ندهیم این هیچ جهت ندارد که بعد از چهار سال خدمت ما باو هیچ ترفیع رتبه ندهیم او مستلزم تغییر شغلی نیست مثلاً اگر یک نایب اولی باشد میخواهیم سلطانش بکنیم چون چهار سال خدمت را تمام کرده است ولی یک شغلی که مستلزم ترفیع رتبه او باشد نیست آنوقت یکی از این کارها که در اینجا معین شده است یعنی فرمانده گرومان یا اسکادرون هر یک از اینها پیدا شد باو میدهند.

محمد هاشم میرزا - اشکالی که آقای

آقا شیخ ابراهیم زنجانی فرمودند در این موضوعی که فرمودند نبود بنده هم آن اشکال را دارم و باید باتساری شروط یک فکری برای موضوع کرد و آن شکلی که اول نوشته شده بود باید مراعات شود بشرط اینکه جائی خالی باشد این را باید قید کرد والا هر قدر چهار نفر یا هشت نفر پیدا شد اسباب زحمت خواهد شد باید یک ترتیبی داد که اسباب ترجیح بلا مرجح بین آنها داده نشود وقتی که جائی خالی بود آنوقت ترفیع رتبه بدهند والا آن ایرادی که فرمودند باز وارد میآید و همچنین در ماده ۱۶ این رعایت را کرده اند که ترفیع رتبه سرهنگی در صورتیکه بیالا ترفیع باید جا خالی باشد که داده شود.

مهرز الملک - حضرت والا گویا دقت فرمودند در این عبارت ترفیع با شرایط قانونی خودش قانوناً مستلزم شغل است.

لواء الدوله - عرض می کنم درجه اول رتبه های نظامی که مینویسد نایب دوم است و نایب اول اینها دارای یک شغلی هستند که عبارت از یک رسد باشد که فارسی آن یک دسته است اینجا مقصود این است که مقام ترفیع رتبه آنها که برسد هیچ نوع تغییر شغلی نمیتواند بدهند یعنی بفرمانده گرومان نمی رسند که جای او خالی باشد او را بیاورند بگذارند بجای او و دیگر اینکه فرمودند دونفر یک رتبه بفرمانده رتبه برسند تکلیف چیست آن امتحاناتی که در نظام هست البته معین میکنند هر کدام عالم تر هستند و برتری دارند مقدم هستند هر دو یک مرتبه مثلاً نایب میشوند